

پ نام پورگار، مهرaban



مشترک همه رشته‌ها





۸

## مهارت معلمی

فصل اول = ارزش و امتیاز کار معلمی

فصل دوم = صفات معلم

فصل سوم = وظایف معلم

درسنامه پوشش

۱۷	۶
۶۰	۲۱
۱۰۴	۷۵



۱۲۱

## دین و زندگی ■ پایه دهم

درس ۹ (انسانی) / درس ۸ (ریاضی و تجربی) = آهنگ سفر

۱۲۷	۱۲۲
۱۲۹	۱۲۵

درس ۱۰ (اختصاص انسانی) = اعتماد بر او

۱۵۲	۱۴۶
۱۶۹	۱۶۲

درس ۱۱ (انسانی) / درس ۹ (ریاضی و تجربی) = دوستی با خدا

۱۸۴	۱۸۰
۱۹۵	۱۹۱

درس ۱۲ (انسانی) / درس ۱۰ (ریاضی و تجربی) = یاری از نماز و روزه

۱۸۴	۱۸۰
۱۹۵	۱۹۱

درس ۱۳ (انسانی) / درس ۱۱ (ریاضی و تجربی) = فضیلت آراستگی

۱۹۵	۱۹۱
۲۱۱	۲۱۴

درس ۱۴ (انسانی) / درس ۱۲ (ریاضی و تجربی) = زیبایی پوشیدگی



۲۰۳

## دین و زندگی ■ پایه یازدهم

درس ۱۶ (انسانی) / درس ۱۱ (ریاضی و تجربی) = عزت نفس

۲۱۱	۲۱۴
۲۲۴	۲۱۹

درس ۱۷ (اختصاص انسانی) = زمینه‌های پیوند

۲۲۴	۲۱۹
۲۲۵	۲۲۱

درس ۱۸ (اختصاص انسانی) = پیوند مقدس

۲۲۵	۲۲۱
۲۴۷	۲۴۰

درس ۱۹ (اختصاص ریاضی و تجربی) = پیوند مقدس

۲۴۷	۲۴۰
۲۵۸	۲۵۱



۲۵۷

## پاسخنامه

پاسخنامه تشریحی

پاسخنامه کلیدی

۲۵۸
۲۵۱

## فصل اول

# ارزش و اختیاز کار معلمه



## خلاصه نموداری



### ۱ معلمی شغل نیست، عبادت است

از چنان قداستی برخوردار است، که وصف «شغل»، معلمی را سبک می‌کند.  
یک وظیفه الهی و یک کار مقدس است (علت)، زیرا عبادتی چند منظوره است. (معلول)  
انتقال علم و تجربه، انقاد غریق و کلید عزت، بصیرت و مصونیت است.  
شغل خدا و جبرئیل است: «الرَّحْمَنُ هُوَ الْعَلَمُ الْقَرَآنُ»

بیشترین توصیف انبیا در قرآن این است که کارشان تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است: «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»  
در سیزده آیه قرآن، واژه «یسْتَلُونَک» نشان می‌دهد که پیامبر (ص)، معلم مردم بوده است.  
معلمی حامل معانی بلندی است (علت) و تقلیل آن به یک شغل ساده کوتاه‌بینی است. (معلول)

### ۲ معلمی یک انتخاب صحیح است

مهم است که در شغل با چه چیزی سروکار داریم.  
معلم روی انسان‌ها کار می‌کند و با روح و قلب و جان انسان‌ها سروکار دارد.  
معلم مشغول توزیع علم است.  
اثر معلم روی شاگرد گاهی تا قیامت باقی می‌ماند و ادامه پیدا می‌کند.  
آیت‌الله گلپایگانی در نکوهش طلایی که به شاه خدمت می‌کردند: «اگر طلبهای بهجای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد، نگوید رفتم، بلکه یگوید: لیاقت تداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت.»  
سخن آیت‌الله گلپایگانی (علت) سبب بیمه شدن دیگر طلاب در برابر توطئه دربار شد. (معلول)  
خدمت به انسان‌ها با تولید و توزیع و مصرف علم و حیات بخشیدن به دل و جان انسان‌ها، گام برداشتن در مسیر انسیاست و مشغول شدن به کاری جز این برای معلم، خسارت است.

### ۳ معلمی در نگاه معصومین (ع) جایگاه رفیع دارد

در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون معلم، مربی یا پدر یاد شده است.  
جایگاه ممتاز معلمان:  
رسول خدا (ص): «بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.»  
رسول خدا (ص): «راهنمایی کننده به راه خیر، مانند انجام دهنده آن است.»  
امام باقر (ع): « تمام جتیبدگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خدادست، برای تعلیم‌دهنده امور نیک استفاده می‌کند.»  
امام حسین (ع) به معلم فرزندش صد دیتار هدیه دادند و در پاسخ به اعتراض مردم فرمودند: «أَيُّنْ يَقْعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يُغْنِي تَعْلِيمَهُ: أَيْنَ مِنْهُ  
در قبال تعلیمات او چه ارزشی دارد؟»

### ۴ تربیت، کار خداست

در قرآن خداوند بیشترین مرتبه با «الله» و سپس با «رب» توصیف شده، یعنی روییت زمانی کامل می‌شود که براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد.  
معلم فقط علم آموزش نمی‌دهد، بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به شاگردان منتقل می‌کند.  
ابزارهای خداوند برای تربیت که معلم هم باید بهره‌مند باشد: منطق و برهان - احسان و عاطفه - مثال و تشییه - تاریخ و داستان - بیان الگوهای مثبت و منفی - هتر و اخلاق - وعده و تهدید.  
هر چه معلم از ابزارهای الهی برای تربیت بیشتر بهره‌مند باشد (علت). توفیقات او بیشتر و بهتر می‌تواند دانش‌آموزان را تربیت کند. (معلول)  
از «عالیم دیتی» به «عالیم ربیانی» تعبیر می‌شود، یعنی عالمی که سروکارش با پروردگار است. صفت روییت را از خدا می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند.  
امام سجاد (ع) در دعای مکارم‌الاخلاق: «اللهی انطقطنی بالهدی و الهمنی التقوی» معلمی که به این مقام می‌رسد، با استفاده از ابزارهای الهی در مسیر رضای خدا، انسان‌های خدایی تربیت می‌کند.

### ۵ معلم کار پنج گروه از مهندسان را انجام می‌دهد

گروه اول: مهندسی که کشف معدن می‌کند. ← معلم نیز استعدادهای شاگردش را کشف می‌کند.  
گروه دوم: مهندسی که استخراج مواد می‌کند ← معلم نیز شاگرد را از انحرافات خارج می‌کند.

گروه سوم: مهندسی که ذوب مواد می‌کند → معلم نیز با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند می‌کند.

گروه چهارم: مهندسی که قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین می‌کند → معلم نیز با تدریس و تعلیم و تربیت، شاگرد را می‌سازد.

گروه پنجم: مهندسی که مونتاژ قطعات و نظارت بر آن‌ها می‌کند → معلم نیز با سعة صدر، تربیت شدگان را به هم متصل می‌کند و جامعه را تشکیل می‌دهد.

معلم کار پنج گروه از مهندسان را نه بر روی چهار دسته، بلکه روی «انسان» که صاحب روح است انجام می‌دهد این موضوع، پیچیدگی کار معلمی را می‌رساند.

## ۶ معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد

تقسیم‌بندی موجودات: جمادات، نباتات، حیوانات، انسان‌ها

معلم که تربیت انسانی با قابلیت رشد بی‌نهایت را بر عهده دارد کارش با بقیه مشاغل که روی جمادات و نباتات و حیوانات کار می‌کند قابل قیاس نیست.

رشد هر چیزی محدود است، جز انسان. ارزش هر چیزی محدود است، جز انسان.

وصیت‌نامه شهیدی که در مسجد تربیت شده است: «جسم را به خاک، روح را به خدا و راه را به شما می‌سپارم.»

انسانی که درست تربیت شود از فرشته برتر می‌شود و اگر متحرف گردد از حیوانات پست‌تر می‌شود: «أولئك كالآنعام بل هم أضل» که علت این انحراف غفلت است: «أولئك هم الغافلون»

انواع غفلت:

۱. غفلت از خدا: «نسوا الله»

۲. غفلت از قیامت: «نسوا يوم الحساب»

۳. غفلت از وظیفه خود: «كذلك أنت آياتنا فنسيّتها»

۴. غفلت از محروم‌مان: «وَلَمْ تَكُنْ نُطْعِمُ الْمُسْكِنِ»

۵. غفلت از توانمندی‌های خود و ارزش ذاتی وجودی انسان

۶. غفلت از ارزش عمر خود

کار و وظیفة معلم در برایر غفلت‌ها: زدودن غبار غفلت، بیدار کردن انسان‌های خوابیده و غافل از گوهر عمر و زندگی

## ۷ کار روی فکر افراد ماندگار است

از مسنلهای برتری اعمال، ماندگاری آثار آن است. مثال: درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خدا برای ماندگاری در تاریخ: «وَاجْعَلْ لِي إِلَيْنَ صِدْقَ فِي الْآخِرِينَ» خدلوند نیز دعا‌یش را مستجاب کرد: «وَجَعَلَهَا كَلْمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

ایمان، به تنهایی کافی نیست و هدایت الهی باید تداوم داشته باشد (مکمل ایمان، تداوم هدایت): «شیهدین» زیرا فریاد توحید در تاریخ می‌ماند، حتی اگر مردم به آن گوش نکنند: «كَلْمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ»

حضرت ابراهیم (ع) برای نسل خود نیز دعا می‌کرد: «خَدَايَا رَهْبَرِي امْتَ وَاقِمَةً نِصَارَا در ذریة من قرار بدء»

ماندگارترین کار، تعلیم و تربیت است که روی نسل جوان تأثیر پذیری و ماندگاری آن بیشتر است.

## ۸ کلاس‌داری را ساده ننگریم

آیت‌الله گلپایگانی «علمی» را بیشتر از «فقیه شدن» مورد نیاز جامعه دانسته‌اند و آن را مورد رضایت امام زمان (عج) بیان کرده‌اند.

آیت‌الله مشکینی درباره اهمیت معلمی فرمودند: «من حاضرم پاداش تدریس برای صدھا طلبہ فاضل را به تو بدهم و در مقابل پاداش این کلاس بیست نفری و تدریس برای بچه‌ها را به من بدهی.»

مدرسه و دانشگاه، کارخانه انسان‌سازی است و در کلاس، آینده انسان رقم می‌خورد و افراد از پرتابه‌های جهالت دور می‌شوند و مسیر زندگی و نقشه راه یک انسان تغییر می‌کند.

## ۹ معلم ربانی، هادی و ناجی بشر است

آموزش و تحصیلات هم دامی است برای تحصیل کردگان و ایجاد وابستگی شان به ابرقدرت‌ها و هم وسیله نجات بشر از شر طاغوت‌ها

یکی از شاخصه‌ها و اهداف بزرگ حضرت موسی (ع) نجات بنی اسرائیل از شر فرعون بود: «أَنَ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»

نشانه فقیه، آزاد کردن مردم از شر دشمنان است: «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَاءِهِمْ»

یکی از وظایف انبیا در قرآن، رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهای است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»

رشته‌های تحصیلی رفاه زیاده‌اند، اما بشر را آزاد نکرده‌اند: زیرا علم هست ولی ثمره علم نیست.

علم حقیقی (علت)، نگاه انسان را توحیدی می‌کند (معلول): «تَمَرَّةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ» - «تَمَرَّةُ الْعِلْمِ الْعِبَارَةُ»

کسی که علم واقعی داشته باشد (علت)، در تشخیص دنیا و آخرت اشتباه نمی‌کند (معلول): مانند عالمانی که به کسانی که به ثروت قارون حسادت می‌کردند، گفتند: «وَيَلَّكُمْ ثوابَ اللَّهِ خَيْرٌ»

گرفتن مدرک نشانه بلوغ عقل و کمال انسانیت نیست (علت)، زیرا عالم ربانی باید حیات آفرین و نجات بخش باشد. (معلول)

مشکل بزرگ امروز جامعه بشری: جدا شدن مادیات از معنویات، جدا شدن دنیا از آخرت، و در یک کلام جدا شدن علم از دین است. جدا شدن «اقرأ» از «باسم ربک» یا جدا شدن «يَعْلَمُهُمْ» از «يَنْزِّلُهُمْ».

هتر معلم: آموزش مسائل علمی با نگاه توحیدی و تربیتی است، نه آموزش خواندن و نوشت و مسائل پیچیده

ثمره آموزش با نگاه توحیدی: شکوفایی علم، حلم، حیات قلب، استقامت، معرفت و انسانیت

معلم ربانی، هادی و ناجی است و ارزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان‌هاست.

## کار خود را مقدس بدانیم ۱۰

علم را باید مقدس دانست به دو دلیل:

۱- خداوند به قلم قسم خورده است: «وَالْقَلْمَ»

۲- خداوند به آنچه نوشته می شود قسم خورده است: «وَمَا يَسْطِرُونَ»

اسلام برای آموزش محدودیتی ندارد: ۱- نامحدود بودن علم از نظر زمانی در سخن پیامبر (ص): «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْلَّاحِدِ» ۲- نامحدود بودن علم از نظر مکانی در سخن پیامبر (ص): «أَوْكَانَ الْعِلْمُ مِنْ وَطَأَةَ الْمَنَوِّلَةِ إِلَى لَثَنَوِّلَةِ رِجَالٍ مِنْ فَارِسٍ» ۳- نامحدود بودن علم از نظر جغرافیایی در سخن پیامبر (ص): «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالضَّيْنِ» ۴- نامحدود بودن علم از نظر محدودیت مقداری در قرآن کریم: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَقَبَّلُوهُ فِي الدِّينِ» ۵- نامحدود بودن علم از نظر محدودیت جانی در سخن پیامبر (ص): «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلْبِ الْعِلْمِ لَتَلْبَوْهُ وَلَوْ يَسْفَكُ الْمُهَجَّ وَخَوْضُ الْلَّاجِ» ۶- نامحدود بودن علم از نظر محدودیت های انسانی در قرآن کریم: «فَبَعَثَ اللَّهُ عَرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيَرْبِهَ كَيْفَ يُوَارِي سَوَاءً أَخْبِهِ» ۷- نامحدود بودن علم از نظر دین و مکتب در رفتار پیامبر (ص): حضرت محمد (ص) بهای آزادی اسریان جنگی را آموزش خواندن و نوشتن به ده مسلمان قرار دادند. ارزش آموزش در قرآن کریم: «اَكْرَمْ سَعْيَهُمْ دِيَدْهُ بِرَأْيِ شَكَارِي بِبَاوِرَهُ، آن شَكَارِ بِرَأْيِ شَما حَلَالٌ اَسْتُ» در داستان عزیز نبی (ع) خداوند نشان می دهد مرگ صد ساله هم برای فراگیری یک نکته ارزشمند است.

## تعلیم و تربیت باعث حیات معنوی مخاطب می شود ۱۱

حیات معنوی در قرآن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَا إِسْتِجْبَيْوْا لِلَّهِ وَلِرَسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِبِّيْكُمْ»

انواع حیات: گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی

دعوت انبیا به حیات حیوانی نیست: بلکه مقصودشان حیات فکری، عقلی، اخلاقی، اجتماعی و دریک کلام حیات انسان در تمام زمینه هاست.

حیات انسان ثمرة ایمان و عمل صالح است: «إِسْتِجْبَيْوْا لِلَّهِ وَلِرَسُولِ» که انبیا مردم را به آن دعوت کرده اند: «إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِبِّيْكُمْ»

اطاعت از فرامین خدا و انبیا، رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب (حیات انسان) است: «مَنْ عَمِلَ حَسَالًا مِنْ ذَكْرٍ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحِبِّسَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»

علم با پیروی از خدا و انبیا و با نفس مسیحایی خود به دانش آموزان حیات می بخشد.

اگر معلم، رسالت خود را الهی، نبوی و علوی بداند (علت) و اتصال خود را با خدا و اولیایش مستحکم کند (علت)، دارای نفس مسیحایی می شود (معلول)، کار او، کار انبیا می شود. (معلول)

علم بدون ترکیه مانند سوزن بدون نخ فقط صدمه می زند.

## ارزش علم بیش از هر چیزی است ۱۲

نمونه اول: خداوند در هنگام بیان آفرینش انسان، خود را: «کریم؛ بزرگوار، گرامی» معرفی می کند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ وَالَّذِي خَلَقَكَ فَسُوَّاَكَ فَعَدَلَكَ» اما هنگامی که سخن از علم و فرهنگ است، صفت: «آکرم؛ بزرگوارتر، گرامی تر» معرفی می کند: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ»

نمونه دوم: در سوره الرحمن نیز خداوند ابتدا به تعلیم قرآن اشاره می کند، سپس به آفرینش انسان: «الرَّحْمَنُ «عَلَمُ الْقُرْآنَ «خَلَقَ الْإِنْسَانَ»

دو نمونه قرآنی فوق، بیانگر ارزش علم و معلم و تعلیم است، علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد، زیرا خداوند ابتدا راه هدایت: «عَلَمَ الْقُرْآنَ» را قرار داده سپس انسان را آفریده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ»

## درستناده

### ارزش و احتیاز کار معلم

در گام اول، نوع نگاه ما به شغل معلمی در تعلیم و تربیت شاگردان و انجام این مسئولیت اثربخش است. معلمی سرآمد شغل هاست. معلم نیازمند حقوق و تأمین نیازهای زندگی اش است، اما از دریچه مادیات به شغلش نمی نگرد.

کار معلم تعلیم و تربیت است. کار خدای متعال و پیامبران نیز تعلیم و تربیت است و اساساً عالم برای «تربیت انسان» خلق شده است. زمین مرکز آموزش و پرورش خداست. معلمان زمین، پیامبران اند و مسئولیت تربیت انسان را برعهده دارند.

## ۱- معلمی شغل نیست؛ عبادت است

بعضی از کارها چنان قداستی دارند که توصیف «شغل» برای آنها سبک می نماید مادری، که یک وظیفه الهی و جلوه ای از عبادت است، نه یک شغل! معلمی هم یک کار مقدس محسوب می شود و عبادتی چند منظوره است.

معلمی، انتقال علم و تجربه، انقاد غریق (نجات دادن انسانی که در حال غرق شدن است) و کلید عزت، بصیرت و مصونیت است.

**مفهوم اصلی** معلمی شغل خداوند و جبرئیل است

آیات ۱ و ۲ / سوره الرحمن

﴿الرَّحْمَنُ «عَلَمُ الْقُرْآنَ﴾

ترجمه: خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود.

**پیام ها:** ۱- خداوند رحمان در سوره الرحمن به بیان نعمت های الهی می پردازد. و اولین نعمتش را که نشان از اهمیت بسیار بالای آن دارد، آموزش قرآن به انسان بیان می کند. ۲- پس خداوند معلم انسان هاست و مهم ترین نعمت او، تعلیم قرآن است تا انسان ها با آن، راه سعادت را در پیش بگیرند.

مفهوم اصلی | اولين معلم، خداوند و دانشآموز او، حضرت آدم (ع) بوده است

## ﴿وَ عَلِمَ آدَمُ الْإِسْمَاءِ﴾

« ترجمه: و خداوند همه اسماء را به آدم یاد داد. »

**پیام‌ها:** ① خداوند، معلم حضرت آدم (ع) بود و واسطه تعلیم، جبرئیل امین بود. آنچه که خداوند به آدم (ع) آموخت داد سراسر حقایق عالم، نام اولیای خود، اسمی همه جمادات و... بود. ② یکی از علل برتری انسان بر فرشتگان به دلیل بهره‌مندی او از علم است.

**ارتباطات:** عبارت «علم الأدم اسماء» و آیات ابتدایی سوره الرحمن، «الرحمن» «علم القرآن» اشاره به شغل معلمی خداوند و جبرئیل دارند و از این رو با یکدیگر هم مفهوم‌اند.

مفهوم اصلی | برکاربردترین توصیف انبیا در قرآن که کار آنان را معلمی بیان می‌کند

آیه ۱۲۹ / سوره بقره

## ﴿يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ وَ الْحِكْمَةُ وَ يُرَيِّبُهُمْ﴾

« ترجمه: به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد و پاکشان می‌گرداند. »

**پیام‌ها:** ① انبیا به مردم، کتاب آسمانی و حکمت را که راه تشخیص خیر از شر است، می‌آموزند. ② آموخت کتاب و حکمت، مقدم بر تزکیه و لازمه آن است. تا کسی تعلیم نبیند، نمی‌تواند روح و جانش را از الودگی‌ها پاک و طاهر گرداند. به همین دلیل، انبیا باید ابتدا مردم را تعلیم دهند، سپس جان آن‌ها را از شر پاک کنند.

**ارتباطات:** این آیه با سیزده آیه در قرآن که با «یستلوئک»: (ای پیامبر) از تو می‌پرسند، آغاز می‌شوند و نشان از معلم بودن انبیا دارند، مرتبط است.

## • معلمی کار انبیاست

▪ سیزده آیه در قرآن کریم با عبارت «یستلوئک»: (ای پیامبر) از تو می‌پرسند، همراه است که نشان از سؤال پرسیدن مردم از رسول خدا (ص) دارد و بیانگر نقش معلمی ایشان در جامعه اسلامی است.

▪ معلمی، واژه‌ای مقدس با بار معنایی خاصی است. همچون واژه کربلا که فراتر از یک شهر است و مفاهیم امامت، شهادت، ایثار، مقاومت، عصمت، اخلاص، عبادت، ظلم‌ستیزی و... دارد.

▪ کلمه معلم نیز اگر صرفاً به عنوان شغل ساده به آن نگاه شود، کوتاه‌بینی است. مانند اینکه به مرجع تقلید بگویند «آدم خوب» در حالی که این توصیف کفايت مقام مرجعیت را نمی‌کند.

## ۲ معلمی یک انتخاب صحیح است

▪ هر انسان یک شغل را انتخاب می‌کند، ولی مهم آن است که در آن شغل با چه چیزی سروکار داری؟ و ۲ تأثیر شغلش تا کجاست؟

## مقایسه سایر شغل‌ها و معلمی

معلم روی انسان‌ها کار می‌کند.

مهندس و صنعتگر روی جمادات کار می‌کند.

معلم با روح، قلب و جان انسان سروکار دارد.

پزشک روی جسم انسان‌ها کار می‌کند.

معلم مشغول توزیع علم است.

تاجر مشغول توزیع کالا است.

## ▪ مقایسه اثرباری معلم در برابر دیگر شغل‌ها:

▪ ساخته‌های انسانی به صورت موقتی مترا اثربند، اما اثری که معلم روی شاگردانش می‌گذارد گاهی تا قیامت ادامه پیدا می‌کند.

▪ بعضی طلاب در زمان شاه با توطئه دربار، چذب نظام شاهنشاهی شدند و از شغل معلمی شانه خالی کردند. آیت‌الله گلپایگانی خطاب به آن‌ها فرمود:

مفهوم اصلی | معلمی یک انتخاب صحیح است

سخن بزرگان / آیت‌الله گلپایگانی

«اگر طلبمای به جای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد، نگوید رفتم؛ بگوید: لیاقت نداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت.»

**پیام‌ها:** ① این سخن نشان دهنده اهمیت شغل معلمی است. این شغل از مبارک‌ترین کارهای است و مقایسه آن با مادیات بسیار اشتباه است.

② این سخن سبب شد تا سایر طلاب و مبلغان دینی در برابر توطئه درباریان بیمه شوند. ③ شغل معلمی جایگاه ویژه‌ای دارد و معلمان لیاقت ویژه‌ای داشته‌اند و حضرت حجت (عج) آن‌ها را برای این کار انتخاب کرده است.

## ▪ انتخاب شغلی غیر از معلمی، خسارت است

▪ معلم که با تولید و توزیع و مصرف علم به انسان‌ها خدمت می‌کند و به دل‌ها و جان‌ها حیات می‌بخشد (علت)، در مسیر انبیا گام برمی‌دارد (معلول). اگر از این شغل جدا شود (علت) برندۀ نیست و خسارت کرده است (معلول)، این خسارت به فراخور شغلی که به جای معلمی انتخاب می‌شود، مراتبی دارد؛ چرا که خسارت دارای مراحل و تفاوت‌هایی است.

بهتر است بدائید:

تبیین قرآنی	انواع خسارت
«بِئْسَمَا اشْرَوْا بِرِّ مُعَامَلَاهُای با خود کردن».	معامله بدبی است.
«فَمَا رَبَحَتْ تِجَارَهُمْ: پس تجارت‌شان سودی نکرد»	معامله سودی ندارد.
«إِشْرَوْا الصَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ: گمراهی را با هدایت معامله کردن».	معامله، خسارت و زیان است.
«لَفَىٰ حُسْرٍ در خارت و زیان است».	معامله، غرق در زیان است.
«خُسْرَانًا مُبِينًا زیانی آشکار»	معامله، خسارتی بزرگ و آشکار است.
«بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا زیانکارترین (مردم) در کارها»	معامله، خسارت در تمام ابعاد است.

### ۳ علمی در نزاهه عصویین جایگاه رفیع دارد

• اهل بیت (ع) از مقام معلمی و ارزش آن، تجلیل فراوان کرده‌اند و در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون معلم، مریب یا پدر یاد شده است.

**مفهوم اصلی** جایگاه رفیع معلمی

حدیث / رسول خدا (ص)

«بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد»

﴿پیام‌ها﴾: پیامبر (ص) تعلیم و تعلم را بالاترین صدقات دانسته‌اند. صدقه دادن فقط کمک مادی نیست و گاهی آموزش دیگران هم صدقه به حساب می‌آید.

**مفهوم اصلی** جایگاه رفیع معلمی

حدیث / رسول خدا (ص)

«راهنمایی کننده به راه خبر، مانند انجام‌دهنده آن است»

﴿پیام‌ها﴾: معلم از ثواب کارهای خیر شاگردانش بهره‌مند می‌شود. در واقع چون آن‌ها به نیکی‌ها فرامی‌خوانند، هر چوایی که شاگردان در انجام کارهای خیر ببرند، انگار او نیز همان کار خیر را کرده است.

**مفهوم اصلی** جایگاه رفیع معلمی

حدیث / اسلم بن قرق (ع)

«تمام جنت‌گان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم‌دهنده امور نیک استغفار می‌کنند»

فصل اول

﴿پیام‌ها﴾: ۱ یکی از نشانه‌های جایگاه رفیع معلمی این است که همه جنت‌گان برای او از خداوند طلب استغفار می‌کنند. ۲ این حدیث نشان می‌دهد که همه موجودات تحت قرمان خدا هستند و هر امری به آن‌ها شود (مانند استغفار برای معلم) آن‌ها مطیع و قرمانبردار پروردگارشان هستند.

• امام حسین (ع): به معلم فرزندشان صد دیتار هدیه دادند و در پاسخ اعتراض مردم فرمودند:

**مفهوم اصلی** جایگاه رفیع معلمی

حدیث / امام حسین (ع)

«أَيَّنَ يَقْعُدُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يُغْنِي تَعْلِيمَهُ»

«ترجمه»: این مبلغ در برابر تعلیمات او چه ارزشی دارد؟

﴿پیام‌ها﴾: ارزش کار معلمی بسیار بالاتر از آن مادیات است. امام حسین (ع) با دادن هدیه فقط می‌خواستند معلم فرزندشان را تشویق کنند و گرنه پاداش معنوی معلمی بسیار فراتر از پاداش مادی آن است.

﴿نوحه﴾: چهار حدیث فوق با هم مرتبط‌اند و بیانگر مفهوم مشترک «جایگاه رفع معلمی در نگاه معصومین» می‌باشد.

### ۴ تربیت کار خداست

• در قرآن کریم پس از نام مبارک «الله» بیشترین توصیف خداوند با کلمه «رب» است. این موضوع نشان می‌دهد که «ربویت» زمانی کامل است که براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد، که خداوند همه را دارد.

• معلمی، انتقال همه کمالات است

• معلم تنها علم خود را به دانش‌آموزان منتقل نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل کند.

└ آن زمان که شاگرد به یأس گرایش پیدا می‌کند، روح امید را در او بدمد.

└ آن هنگام که شاگرد به غرور گرایش پیدا می‌کند، او را هشدار دهد.

• ابزارهای الهی برای تربیت مردم:

۱ منطق و برهان ۲ احساس و عاطفه ۳ مثال و تشبيه ۴ تاریخ و داستان ۵ بیان الگوهای مثبت و منفی ۶ هنر و اخلاق ۷ وعده و تردید. هر چه معلم و استاد بهره‌شان از این ابزارهای الهی بیشتر باشد (علت)، توفیقات آن‌ها نیز بیشتر خواهد شد (معاول)

• عالم دینی، عالم ربانی است

• اتصال معلم، استاد و مریب به خداوند متعال، نقش مهمی در انجام مسئولیت‌های آن‌ها - که ارشاد و هدایت مردم است - دارد؛ لذا از عالم دینی به «عالم ربانی» تعبیر می‌شود

﴿ عالم رباني یعنی،

عالی که سروکارش با پروردگار است.

در راه خدا، برای خدا و با اسلوب و اخلاق خداپسندانه تعلیم می‌دهد.

از خداوند متعال صفت رویت را می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند.

﴿ نمونه یک عالم رباني، امام سجاد (ع) است که در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می‌خواهد:

**حديث / امام سجاد (ع)** عالم رباني که خدایی شده و انسان‌هایی خدایی تربیت می‌کند

«الله انتقني بالهدى والهمنى التقوى»

﴿ ترجمه: خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوی را به من الهام کن.﴾

﴿ بیان‌ها: ۱ امام سجاد (ع) از خداوند درخواست می‌کند که او را از رویت خود بهره‌مند سازد و سخنانش هدایت‌کننده مردم باشد. ۲ درخواست دیگر امام سجاد (ع) تقوی قلب است. عالم رباني باید قلبش همواره از خدا بترسد و از گناهان و زشتی‌ها دوری کند. ۳ چنین عالمی خدایی می‌شود و از شان رویت الهی بهره‌مند می‌گردد و انسان‌هایی خدایی تربیت می‌کند.

## ۵ علم کار پنج گروه از مهندسان را هی کند

﴿ معلم یک تنه کار پنج گروه مهندس را انجام می‌دهد. آن هم نه بر روی جمادات، بلکه بر روی «انسان» که صاحب روح است و کار با او، ظرافت و دقت خاصی را می‌طلبد. این بیان‌گر پیچیدگی و اهمیت کار معلمی است.﴾

کار معلم	وظیفه مهندس
معلم نیز استعدادهای شاگردانش را کشف می‌کند.	گروه اول: مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند.
معلم نیز شاگردان را از انحراف‌هایی که به آن گرفتار شده‌اند خارج می‌کند.	گروه دوم: مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند.
معلم نیز با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند می‌کند.	گروه سوم: مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند.
معلم نیز با تدریس و تعلیم‌وتربیت شاگرد را می‌سازد.	گروه چهارم: مهندسانی که مسئول قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین هستند.
معلم نیز باسعة صدر، تربیت شدگان را به هم متصل می‌کند و جامعه را تشکیل می‌دهد.	گروه پنجم: مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.

## ۶ علم با گران‌ترین گوهر حستی سروکار دارد

﴿ موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱ جمادات ۲ نباتات ۳ حیوانات ۴ انسان‌ها﴾

﴿ دو تفاوت اصلی انسان با سایر موجودات:

۱ رشد همه موجودات محدود است، اما رشد انسان نامحدود است. ۲ ارزش هر چیزی محدود است، اما ارزش انسان نامحدود است.

﴿ تفاوت کار معلمی و سایر مشاغل بر مبنای چیزی که روی آن کار می‌کنند:

— اگر انسان روی آهن و چوب کار کند و از آن‌ها در و پتجره بسازد یا در زمین خالی ساختمان بسازد یا از پشم و نخ پارچه تولید کند، با کار و صنعت خود ارزش این اجتناس را بالا برد است، اما استاد و معلم روی نسل نو کار می‌کند روشن است که زحمت تربیت انسانی که قابلیت رشد بی‌نهایت دارد، با زحمت و تلاش برای ارتعای وسیله‌ای که رشد محدود دارد، قابل قیاس نیست.

— اگر دیگران روی جمادات کار می‌کنند و ماشین و هوایپما و ساختمان می‌سازند یا عده‌ای به سراغ پرورش حیوانات یا گل و گیاه می‌روند، کار معلم و استاد و مربی، پرورش انسان‌هاست. رشد همه چیز محدود است: جز انسان. ارزش هر چیزی محدود است: جز انسان.

﴿ نمونه انسانی که خدایی تربیت شده است:

﴿ یک نوجوان هفده ساله که در جبهه شهید شده، در وصیت‌نامه خود می‌نویسد، «جسم را به خاک، روح را به خدا و راه را به شما می‌سپارم..»

﴿ تفکر این نوجوان، اثر تربیت معلم و مربی، و پرورشگاه این تفکر، مسجد است.

﴿ ارتضای وصیت‌نامه این نوجوان نشان می‌دهد که او خدایی شده است، پس مربی و استاد او یک عالم رباني بوده که خداوند او را مشمول دعای امام سجاد (ع) قرار داده است: «الله انتقني بالهدى والهمنى التقوى»

﴿ انحراف و علت آن

﴿ اگر انسان درست تربیت شود (علت)، از فرشته برتر می‌شود (علوی) و اگر منحرف گردد (علت)، از هر حیوانی پست‌تر خواهد شد (علوی) و نقش معلم این است که نگذارد گوهر انسانیت نابود و مغفول شود.

**موضوع اصلی** کسانی که گوهر انسانیت‌شان نابود و مغفول شود، پست‌تر از چهار بیان اند

آیه ۱۷۹ / سوره اعراف

﴿ اولنک کلائعاً بَلْ هُمْ أَهْلٌ﴾

﴿ ترجمه: آن‌ها مانند چهار بیان اند، بلکه بسی گمراه‌تر.

﴿ بیان‌ها: ۱ ملاک انسانیت، فهم و پذیرش معارف و تکالیف دیتی است و گرنه انسان حتی می‌تواند از حیوانات پست‌تر شود. ۲ اگر انسان از استعدادهای درونی اش بیهوده نبرد، حتی بدتر از مخلوقاتی می‌شود که از این استعدادها بی‌بهزادند. ۳ در انتهای آیه، خداوند دلیل این انحراف را غفلت و بی‌ بصیرتی معرفی می‌کند: «اولنک هم الغافلون»

### • انواع غفلت:

- ۱ غفلت از خداوند: «نَشَوَ اللَّهُ خَدَا رَا فَرَمَوْشَ كَرَدَنَدَ».
- ۲ غفلت از قیامت: «ئَسْوَا يَوْمِ الْجِسَابِ: روز قیامت را فراموش کردند».
- ۳ غفلت از تکالیف الهی و وظیفه خود
- ۴ غفلت از محرومان
- ۵ غفلت از توانمندی‌های خود، اینکه نمی‌دانند چه موجودی هستند. (چه سرمایه‌های بزرگی خداوند به انسان عطا کرده است.)
- ۶ غفلت از ارزش عمر خود، اینکه عمرشان را صرف کارهای لغو و بیهوده می‌کنند.

**مفهوم اصلی** غفلت از تکالیف الهی

آیه ۱۲۶ / سوره هه

﴿كَذَلِكَ أَتَكُ آيَاتِنَا فَتَسْتَيْهَا﴾

«ترجمه: بدین گونه آیات ما به تو رسید و تو آن‌ها را فراموش کردی.

﴿بِيَامِهَا﴾: ۱) یکی از انواع غفلت، فراموشی و بی‌توجهی به انجام واجبات و ترک محترمات است. ۲) خداوند در این آیه به انسانی که از وظایف دینی اش غافل است، هشدار می‌دهد. ۳) سرانجام این غفلت می‌تواند قرار گرفتن در زمرة کسانی باشد که خداوند درباره‌شان می‌فرماید: «أَولَئِكَ كَالْأَنْعَامُ بِلَهُمْ أَضَلُّ»

**مفهوم اصلی** غفلت از رسیدگی به محرومان

آیه ۱۴ / سوره محق

﴿وَلَمْ تَكُنْ نُطِعْمُ الْمِسْكِينَ﴾

«ترجمه: و مسکین را طعام نمی‌دادیم.

﴿بِيَامِهَا﴾: ۱) این آیه سخن اصحاب شمال یا همان اهل دوزخ است که یکی از ویژگی‌های خود را در دنیا، غفلت از محرومان بیان می‌کند. ۲) متنظر از اطعم مساکین در این آیه، برآورده کردن همه نیازهای نیازمندان اعم از پوشاک، مسکن، غذا و... است. ۳) خداوند در این آیه مسکین را به حالت کلی می‌آورد، یعنی حتی اگر نیازمند، مسلمان هم نباشد، باز هم باید نیازهای او را برآورده کنیم. ۴) فرجام غفلت از رسیدگی به نیازمندان، دوزخ است. دوزخی که جایگاه انسان‌های پست‌تر از حیوانات می‌باشد: «أَولَئِكَ كَالْأَنْعَامُ بِلَهُمْ أَضَلُّ»

### • وظیفه معلم در برابر انسان‌های غافل:

- ۱ زدودن غفلت‌ها ۲) بیدار کردن انسان‌های خواپیده و غافل از گوهه عمر و زندگی

## ۷ کار روی فکر افراد ماندگار است

یکی از نشانه‌های برتری اعمال، ماندگاری آثار آن است: معلم باید بداند که ماندگارترین کار، تعلیم و تربیت است: آن هم بر روی نسل جوان که تأثیرپذیری بیشتری دارند. چنانکه حضرت ابراهیم (ع) از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد:

**مفهوم اصلی** در خواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند برای باقی هاندن نام نیک او در تاریخ

آیه ۸۶ / سوره همزة

﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾

«ترجمه: و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده.

﴿بِيَامِهَا﴾: ۱) حضرت ابراهیم (ع) از خداوند در خواست می‌کند که نام نیک او در میان آیندگان جاودانه باشد. ۲) در نظر حضرت ابراهیم (ع)، قضایت آیندگان اهمیت داشت و اینکه مسیحیان، یهودیان و مسلمانان، همگی بر عظمت و بزرگی ایشان معتقدند، نشان از اجابت دعای او دارد. ۳) آثار اعمال و رفتار انسان، حتی می‌تواند پس از مرگش باقی بماند و تا قیامت ادامه دار باشد.

۴) پاسخ خداوند به درخواست حضرت ابراهیم (ع):

**مفهوم اصلی** خداوند نسل ابراهیم (ع) را پرچمدار توحید قرار داد

آیه ۲۸ / سوره زمر

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِيَّهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

«ترجمه: آن [کلمه توحید] را در میان نسلش، کلمه ماندگار قرار داد، یاشد که آنان به توحید باز گردند.

﴿بِيَامِهَا﴾: ۱) کلمه توحید و فرباد توحیدی در تاریخ می‌ماند، اگرچه مخاطبان آن زمانه به آن گوش نکنند. ۲) خداوند تبارک و تعالی حافظ و نگهبان آیین توحیدی ابراهیم (ع) در تمام طول تاریخ است. ۳) علت پذیرش دعای ابراهیم (ع) این بود که نسل او به توحید باز گردند: «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

**مفهوم اصلی** دعای حضرت ابراهیم (ع) برای نسل خود

حدیث / حضرت ابراهیم (ع)

«خدایا! رهبری امت و اقامه نماز را در ذریته من قرار بده.»

﴿ارتباطات: این دعای حضرت ابراهیم برای نسلش با عبارت: «جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِيَّهِ آن [کلمه توحید] را در میان نسلش کلمه ماندگار قرار داد.» هم مفهوم است و نشان می‌دهد که نسل ابراهیم (ع)، پرچمدار توحید و رهبر امت جهانی هستند.

## ۸ کلاس‌داری را ساده ننگریم

- برخی از افراد، کلاس‌داری را یک کار عادی تلقی می‌کنند، بهویژه اگر مخاطبان سنتی پایین‌تر باشند: در حالی که هم کلاس‌داری مهم است و هم مخاطبانی که از نسل نو هستند.
- دو نمونه در اهمیت کلاس‌داری: ۱ آقای قرانی درباره کلاس‌داری شان به آیت‌الله گلپایگانی گفتند: «من امکان فقیه شدن دارم، ولی فعلًا معلم شده‌ام.» ایشان فرمودند: «این راهی که شما پیش گرفته‌ای، الان بیشتر موردنیاز است و امام زمان (عج) راضی است، ان شاء‌الله.» ۲ آیت‌الله مشکینی نیز با دیدن کلاس درس آقای قرانی به او فرمودند: «من حاضر پاداش تدریس برای صدھا طلبة فاضل را به تو بدهم تا در مقابل، پاداش این کلاس بیست نفری و تدریس برای چه‌ها را به من بدهی.»
- نقش تعلیم و تربیت در مسیر زندگی انسان‌ها
- در تعلیم و تربیت، آینده یک انسان رقم می‌خورد. معلم می‌تواند افراد را از پرتوگاه‌های جهالت دور کند و مسیر زندگی یک فرد و نقشه راه او را تغییر دهد. مدرسه و دانشگاه، کارخانه انسان‌سازی است و کلاس‌داری، بهویژه اگر نسل نو مخاطب آن باشد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

## ۹ معلم ربانی، هادی و ناجی بشر است

- آموزش و تحصیلات، هم می‌تواند دامی برای تحصیل‌کردن و ایجاد وابستگی آن‌ها به ابرقدرت‌ها شود، هم می‌تواند وسیله نجات بشر از شر طاغوت‌ها شود.
- براساس آیات قرآن کریم، یکی از شاخصه‌ها و اهداف بزرگ حضرت موسی (ع) نجات بنی اسرائیل از شر فرعون بود: چنانچه با صراحت به فرعون گفت: **مفهوم اصلی** نجات بنی اسرائیل از شر فرعون، از شاخصه‌ها و اهداف بزرگ حضرت موسی (ع)

آیه ۱۷ / سوره شعره

﴿آن أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيل﴾

«ترجمه: بتی اسرائیل را [آزاد کن] و همراه ما بفرست.»

- ▷ **پیام‌ها:** ۱ خداوند به حضرت موسی (ع) دستور می‌دهد تا به همراه هارون به دربار فرعون بروند و از او درخواست آزاد کردن مردم بتی اسرائیل را کنند.
- ۲ آزاد کردن مردم از بند اسارت حاکمان ظالم و طاغوت‌ها، در رأس برنامه‌های انبیا قرار دارد. ۳ این مطالبه حضرت موسی (ع) از فرعون برای آزاد کردن بتی اسرائیل نمونه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر است.

**موضع اصلی** نشانه فقیه آن است که مردم را از شر دشمنانشان آزاد سازد

حدیث / احمد و رضا (ع)

«وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»

«ترجمه: (فقیه کسی است که مردم را) از دشمنانشان نجات دهد.»

- ▷ **ارتباطات:** عبارت قرآنی «آن ارسیل معاً بنا بنی اسرائیل: بتی اسرائیل را [آزاد کن] (و همراه ما بفرست)» و سخن امام رضا (ع): «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِم» (فقیه کسی است که مردم را) از دشمنانشان نجات دهد» هر دو بیانگر مسئولیت و نشانه اصلی فقیه که آزاد کردن مردم از دشمنانشان است، می‌باشد و هم مفهوم‌اند.

**مفهوم اصلی** یکی از وظایف اصلی انبیا، رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهای است

آیه ۱۵۷ / سوره کوثر

﴿وَيَضْطَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾

«ترجمه: و از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمی‌دارد [و آزادشان می‌کند].»

- ▷ **پیام‌ها:** ۱ کلمه «اصر» به معنای نگهداری و محبوس کردن است و به هر کار و تکلیف سختی که انسان را از سایر کارها باز دارد، گفته می‌شود. کلمه «اغلال» به معنی زنجیرهای و شامل عقاید باطل، خرافات، بتپرستی، بدعت و سایر سنت‌های جاهلی می‌شود. ۲ عادات و رسوم غلط و خرافات و عقاید جاهلی، زنجیری بر افکار مردم هستند. ۳ انسان بدون انبیا اسیر خرافات و عقاید باطل است. ۴ یکی از ویژگی‌های انبیا، برداشتن بارستگین عقاید باطل و جاهلی از روی دوش مردم است.

▷ **ارتباطات:** موارد زیر با هم مرتبط‌اند:

آیه یا حدیث مربوط	مفهوم
▪ «آن ارسیل معاً بنا بنی اسرائیل» ▪ «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِم»	رها کردن مردم از شر دشمنانشان
▪ «وَيَضْطَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»	رها کردن مردم از عقاید جاهلی و خرافات

## ▪ ثمره علم

- امروزه رشته‌های تحصیلی متنوعی ایجاد شده است که در بسیاری از امور، رفاه را برای بشر به ارمغان آورده‌اند: اما آیا توانسته‌اند بشر را آزاد کنند؟ در موارد زیادی علم هست ولی ثمره‌اش نیست. مثلاً تلفن همراه - که یک وسیله ارتباطی است - تزد هر کس هست: اما آیا خود «ارتباط» هم هست؟ چه بسا وسیله ارتباطی باشد، اما خود انسان‌ها با هم قهر باشند. علم و ثمره آن نیز می‌تواند دچار این آسیب شود.
- علم حقیقی، نگاه انسان را توحیدی می‌کند.

### آثار علم حقيقة

- ۱ «ثمرة العلم معرفة الله: ثمرة علم، شاخت خداست.»
- ۲ «ثمرة العلم العبادة: ثمرة علم، بندگی خداست.»
- ۳ در قرآن آمده گروهی جذب اموال قارون شده بودند و می گفتند: «ای کاش ما هم مثل قارون شر و تمدن بودیم» ولی کسانی که اهل علم بودند به آنها چنین تذکر می دادند: «وَيُلَكُّمْ تَوَابُ اللَّهُ خَيْرٌ وَإِنْ بَرَ شَمَا! يَادَشِنَ الْهَبِيَّ بَهْرَ اَسْتَ». پس ثمرة علم واقعی این است که انسان در تشخیص دنیا و آخرت اشتباه نمی کند نه دانشمندی که دنیا را بر آخرت برگزیند، عالم ریانی است و نه علم او، علم حقیقی: چنانکه گرفتن مدرک و عنوان، نشانه بلوغ عقل و کمال انسانیت نیست: زیرا تعلیمات عالم ریانی باید حیات آفرین و نجات بخش باشد.

### مشکل بزرگ جامعه بشری

- جدا شدن «اقرأ» از «باسم ربک»: متظور این است که «اقرأ: بخوان» از «باسم ربک: به نام پروردگار است». جدا شده و علم امروزی، توحیدی نیست.
- جدا شدن «يعلمهم» از «يزيگيهم»: متظور این است که «يعلمهم: می آموزد به آنها» از «يزيگيهم: پاک می گرداند آنها را» جدا افتد و معلم، به شاگردان فقط آموزش می دهد و به جان آنها حیات نمی بخشد.
- جدا شدن مادیات از معنویات، جدا شدن دنیا از آخرت و در یک کلام جدا شدن علم از دین است.

### هر معلمی

- هر معلمی فقط به آموزش خواندن و نوشتن یا آموزش مسائل پیچیده و فرمول های سخت نیست: بلکه هر معلم در آموزش مسائل علمی با نگاه توحیدی و تربیتی است. ثمرة چنین آموزش و تعلیمی، شکوفایی علم، حلم، حیات قلب، استقامت، معرفت و انسانیت در متعلمین خواهد بود. آری! معلم ریانی، هادی و ناجی است و ارزش کار او به حیات دلها و نجات انسان هاست.

## ۱۰ کار خود را مقدس بدانیم

- علم را مقدس بدانیم: زیرا خداوند هم به قلم قسم خورده است، هم به آنچه نوشته می شود

موضوع اصلی علم مقدس است

آیه ۱ / سوره قلم

﴿نَ وَ الْقَلْمَ وَ مَا يَسْطَرُونَ﴾

«ترجمه: نون، قسم به قلم و آنچه نوشته می شود.

- پیامها:** ۱ خداوند در این آیه به دو چیز سوگند خورده است ۱- قلم ۲- آنچه که نوشته می شود، یعنی علم و دانش ۲ سوگند خوردن خداوند به چیزی، نشان از ارزشمندی آن دارد، به همین دلیل است که باید علم را مقدس بدانیم.

### نامحدود بودن علم در اسلام

فصل اول

آیه یا حدیث مرتبط	عدم وجود محدودیت در علم
پیامبر (ص): «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْلَّهِدِ: از گهواره تا گور علم بیاموزید.»	اسلام برای علم محدودیت زمانی قائل نیست.
پیامبر (ص): «أَلَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَتَوَطًا بِالثُّرْثَرِ لَتَشَوَّلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ: اگر علم در ثریا باشد، مردانی از فارس به آن می رسد.»	اسلام برای علم محدودیت مکانی قائل نیست.
پیامبر (ص): «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالْضِيَّنِ: دانش را بجویید اگرچه در چین باشد.»	اسلام برای علم محدودیت جغرافیایی قائل نیست.
«فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ: چرا از هر گروهی از مردم، دسته ای کوچ نمی کنند، تا در دین فقهه شوند؟»	اسلام برای علم محدودیت مقداری قائل نیست.
امام سجاد (ع): «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي قَلْبِ الْعِلْمِ لَظَلَّبُوهُ وَلَوْ سَفَكَ الْمَهْجُ وَخَوْضَ الْلَّهِجَ: اگر مردم ارزش علم را می دانستند، به سراغ علم می رفتدند، گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد.»	اسلام برای علم محدودیت جانی قائل نیست.
«فَبَعْثَتَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيهِ كَيْفَ يُوَارِي سَوَاءً أَخْبِيَ: پس خداوند زاغی را فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند [و دفن کند].»	اسلام برای علم محدودیت انسانی قائل نیست.
پیامبر (ص) بهای آزادی کسانی را که در جنگ اسیر می شدند، آموزش خواندن و نوشتن به ده مسلمان قرار داد	اسلام برای علم محدودیت مکتبی قائل نیست.

مفهوم اصلی اسلام برای آموزش محدودیت مقداری قائل نیست

آیه ۱۲۲ / سوره طه

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾

«ترجمه: چرا از هر گروهی از مردم، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین فقهه شوند؟»

- پیامها:** ۱ در اسلام برای آموزش و تفقه، توصیه به هجرت شده است. ۲ اسلام، تفقه در دین را واجب کفایی اعلام می کند، یعنی اگر عده ای از مردم به تفقه در دین بپردازند و به بقیه آن را بیاموزند کفایت می کند. ۳ به این دلیل که اگر تعدادی از مردم به تفقه در دین بپردازند، کفایت می کند، می فهمیم که اسلام محدودیت مقداری برای آموزش قائل نیست. ۴ این آیه، مسئولیت مرجعیت دینی علماء در زمان غیبت را برای مردم بیان می کند.

**مفهوم اصلی** اسلام برای آموزش محدودیت جانی قائل نیست

حدیث / امام سجاد (ع)

«لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَظَلَبُوهُ وَلَوْ بَسَفِكَ النَّهَجَ وَخَوْضَ اللَّهِجَ»

• **ترجمه:** اگر مردم ارزش علم را می‌دانستند، به سراغ علم می‌رفتند، گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد.

• **پیام‌ها:** ارزش علم آنقدر بالاست که امام سجاد (ع) به خطر انداختن جان را هم برای به دست آوردن علم سزاوار می‌دانند.

**موضوع اصلی** اسلام برای آموزش هیچ محدودیت انسانی قائل نیست

آیة ۱۳ / سوره علاده

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُبَرِّيهَ كَيْفَ يُوَارِي سَوَاءً أَخْبِهَ﴾

• **ترجمه:** پس خداوند زاغی را فرستاد که زمین را می‌کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند. [لو دفن کند]

• **پیام‌ها:** ۱- این آیه اشاره به داستان هابیل و قابیل دارد قابیل پس از کشتن برادرش، نمی‌دانست جسد او را چه کند تا اینکه خداوند زاغی را فرستاد که زاغ دیگری را در خاک دفن کرد و اینگونه خداوند به قابیل آموزش داد که چگونه جسد برادرش را دفن کند. ۲- در این آیه، خداوند از طریق حیوانات به انسان آموزش می‌دهد، پس محدودیتی در پادگیری از انسان یا حیوان یا... وجود ندارد.

• **ارزش آموزش در اسلام:**

○ **نحوه اول:** در قرآن آمده که:

**مفهوم اصلی** ارزش آموزش در اسلام. حتی به حیوانات

آیة ۱۴ / سوره علاده

ماگر سگ آموزش دیده، برای شما شکاری بیاورد، آن شکار برای شما حلال است.

• **پیام‌ها:** ۱- شرایط حلال بودن آنچه که سگ شکار کرده است: ۱- سگ شکارچی باشد. ۲- سگ آموزش دیده باشد. ۳- سگ برای شکار گسیل شده باشد نه آنکه برای خودش شکار کرده باشد. ۲- ارزش آموزش دیدن تا اینجاست که خوردن صید شکار سگ آموزش دیده حلال است، اما اگر آموزش ندیده باشد، حرام می‌شود.

○ **نحوه دوم:** در قرآن می‌خوانیم: یکی از اولیای خدا - که در تفاسیر، عزیز نبی (ع) معرفی شده است - از خرابهای می‌گذشت. با دیدن آثار گذشتگان به خدا گفت: «این مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟» خداوند او را که بر الاغی سوار بود، می‌میراند. پس از صد سال او را زنده کرد و از او پرسید: «چه مدت است که در اینجا آرمیده‌ای؟» گفت: «روزی یا نصف روز!» خداوند به او فرمود: «صد سال پیش، در اینجا مردی و اکنون تو را زنده کردم! به الاع خود بتگز که چگونه او را دوباره زنده می‌کنم و به غذای خود بتگز که چگونه پس از صد سال هنوز فاسد نشده است.» این داستان نشان می‌دهد که برای فraigیری یک نکته، مرگ صد ساله هم ارزشمند است.

○ **ارتباطات:** داستان عزیز نبی (ع) نشان می‌دهد که اسلام برای آموزش، محدودیت جانی قائل نیست و از این رو، این داستان با حدیث امام سجاد (ع) «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَظَلَبُوهُ وَلَوْ بَسَفِكَ النَّهَجَ وَخَوْضَ اللَّهِجَ» هم مفهوم است.

## ۱۱ تعلیم و تربیت باعث حیات معنوی مخاطب هی شود

**موضوع اصلی** حیات انسان در یزدیرش دین الهی است

آیة ۱۷۶ / سوره عقل

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَنَا إِسْجِبَابَهُ وَلِلرَّؤْسَوْلِ إِذَا دَعَاهُمْ لِمَا يُحِبِّبُكُمْ﴾

• **ترجمه:** ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه خدا و رسول شما را به چیزی که حیات‌بخش شماست دعوت می‌کنند، بپذیرید.

• **پیام‌ها:** ۱- مخاطب آیه مؤمنان هستند، شرط برخورداری از ایمان واقعی، پذیرش دعوت خدا و رسول اوست. ۲- حیات حقیقی انسان (معلوم) در گرو پذیرش دعوت خدا و رسول که همان دین الهی می‌باشد، است. (علت) ۳- رمز رسیدن به حیات پاک و طیب، اطاعت از فرامین خدا و رسول است، یعنی انجام واجبات و ترک محظمات. ۴- حیات اقسام مختلفی دارد: گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی. مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید: «الما يحببکم» حیات حیوانی نیست. (چون این نوع حیات بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد). بلکه مقصود، حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام، حیات انسان در تمام زمینه‌های است.

• بهتر است بدانید:

آیه مرتبط	انواع حیات
«أَنَّ اللَّهَ يُحِبِّي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ خَدَاوَنْدَ زَمِينَ مَرْدَهُ رَا زَنْدَهَ مَيْ كَنْدَهُ»	حیات گیاهی
«لَمْحِيَ الْمَوْتِ؛ خَدَاوَنْدَ مَرْدَگَانَ رَا زَنْدَهَ مَيْ كَنْدَهُ»	حیات حیوانی
«مَنْ كَانَ مَوْتَأْفَاحِيَّتَهَا؛ أَنَّكَهَ مَرْدَهُ بَوَدَ وَ زَنْدَهَشَ كَرْدَيْمَ»	حیات فکری
«قَدَّمَتْ لِحَيَاتِي؛ ( مجرمین در قیامت می‌گویند: ای کاش برای) زندگی امروزم چیزی از پیش فرستاده بودم.»	حیات ابدی

**مفهوم اصلی** حیات انسان در گرو ایمان و عمل صالح است

﴿مَنْ عَلِمَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحِبِّبَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾

«**ترجمه:** هر کس کار شابسته‌ای کند، چه مرد یا زن، در حالی که مؤمن باشد، به زندگی پاک و پستدیده زندگانش می‌داریم»

﴿پیام‌ها: ۱) جایگاه مرد و زن در کسب کمالات یکان است. در واقع در بینش توحیدی، برتری‌های جنتی مردود است: «من ذکر او انشی»

۲) شرط قبولی اعمال نیک، بهره‌مندی از ایمان است: «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» ۳) ثمرة ایمان و عمل صالح، بهره‌مندی از زندگی و حیات پاک و طیب است. ۴) متنظر از حیاتی که در نتیجه ایمان و عمل صالح فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست (چون این حیات بدون ایمان و عمل صالح نیز وجود دارد) بلکه مقصود حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام، حیات انسان در تمام زمینه‌های است: «فَلَنُحِبِّبَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»

﴿ارتباطات: حیات انسان در گرو ایمان و عمل صالح که همان پذیرش دعوت خدا و انبیاست، می‌باشد. از این رو دو آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَنَا إِسْتِجْبَوْا لِلَّهِ وَلِرَسُولِ إِذَا دَعَاهُمْ لِمَا يُحِبِّبُكُمْ» و «مَنْ عَلِمَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحِبِّبَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» با هم هم مفهوم‌اند.

## • وظیفة استاد و معلم

• استاد و معلم باید با پیروی از خدا و پیامبر (ص) (علت) نفس مسیحایی پیدا کند (معلول) و به مخاطبان حیات بیخشند (معلول) و جهل او را به علم، یأس او را به امید، غفلت او را به هوشیاری، ترس او را به شجاعت، اعراض او را به اقبال، تفرقه او را به وحدت، کیثه او را به محبت، دنیاگرایی او را به آبدگرایی، اطاعت او از نااهلان را به اطاعت از اولیای معصوم و عدول و اسراف او را به صرفه‌جویی، کسالت او را به نشاط، اضطراب او را به آرامش و مستگدلی او را به نرم‌دلی تبدیل کند (معلول). اگر به جای این آموزدها، تنها به انتقال اطلاعات و علوم اکتفا کنیم (علت)، معلوم نیست بهره‌گیری از این علوم برای فرد و جامعه سود خواهد داشت یا ضرر؟ و فارغ‌التحصیلان ما عناصر مفیدی خواهند بود یا خطرناک؟ (معلول)

• اگر استاد رسالت خود را رسالت الهی، نبوی و علوی بداند (علت) و اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کند (علت) واجد نفس مسیحایی می‌شود (معلول)، در این صورت کار معلم، کار انبیا خواهد بود (معلول) و گرنه انتقال علوم بدون ترکیه، مثل جدا شدن سوزن از نخ است که به جای دوختن، سوراخ می‌کند و صدمه می‌زند.

## ۱۲ ارزش علم بیش از هر چیزی است

دو نمونه قرآنی نشان می‌دهد که ارزش علم بیش از هر چیزی است و علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد.

﴿نحوه اول: خداوند آنجا که سخن از آفرینش انسان است خود را «کریم؛ بزرگواره معرفی می‌کند ولی آنجا که سخن از علم و فرهنگ است، صفت «اکرم؛ بزرگوارته را به کار می‌برد.

**مفهوم اصلی** گرم خداوند شامل همه انسان‌ها می‌شود

آیات ۷۹۶ / سوره بعل

فصل اول

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرِّكَ بِرِبِّكَ الْكَرِيمِ «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَّلَكَ﴾

«**ترجمه:** ای انسان! چه چیزی تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغور کرد و فریب داد؟ همان که تو را آفرید و (اندام تورا) استوار ساخت و متعادل کرد.

﴿پیام‌ها: ۱) خداوند کرامت و بزرگواری خود را نسبت به همه انسان‌ها را داشته است و مخصوص مؤمنان یا گروه خاصی نیست. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» ۲) غرور و کبر انسان در برابر کرامت خداوند، بی‌توجهی به نعمت‌های الهی است: «مَا غَرِّكَ بِرِبِّكَ الْكَرِيمِ» ۳) سه مرحله آفرینش: ۱- «خَلْقَ» خلق کردن ۲- «فَسَوَّاكَ» آراستن و استوار ساختن انسان ۳- «فَعَدَّلَكَ» برقراری تعادل و توازن میان اعضاء و جواهر انسان ۴) راه درمان بیماری کبر و غرور، توجه به کرامت خداوند در آفرینش انسان است: «بِرِبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ» ۵) آفرینش انسان و استواری و تعادل میان اعضاء و جواهر او، نشانه‌ای از کرامت پروردگار است. «بِرِبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ»

**مفهوم اصلی** گرم‌ترین بودن خداوند در آموزش و تعلیم به پیامبر (ص)

آیه ۱۳ / سوره علق

﴿إِنَّمَا وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾

«**ترجمه:** بخوان که پروردگار تو از همه گرامی‌تر است.

﴿پیام‌ها: ۱) خداوند در این آیه، به پیامبر دستور می‌دهد که قرآن را بخواند. لذا بر اساس این آیه، شغل خداوند و جبرئیل معلمی است و دانش‌آموز این مکتب، حضرت محمد (ص) می‌باشد. ۲) خواندن قرآن باید جهت الهی داشته باشد زیرا وسیله رشد انسان است.

﴿ارتباطات: این آیه، بیانگر مقام معلمی خداوند و جبرئیل است، فلذًا با آیات «الرَّحْمَنُ» «عَلَمُ الْقُرْآن» و «عَلَمَ آدَمَ الْأَسْمَاء» هم‌مفهوم است.

﴿نحوه دوم: در سوره الرحمن، خداوند ابتدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند، سپس به آفرینش انسان. آری! باید قبل از ماشین، راه ساخته شود: اول راه هدایت «علم القرآن» سپس آفرینش انسان «خلق انسان»

**مفهوم اصلی** تقدیم آموزش و تعلیم قرآن، بر خلق انسان

آیات ۱۱۳ / سوره الرحمن

﴿الرَّحْمَنُ «عَلَمُ الْقُرْآنُ «خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾

«**ترجمه:** خداوند قرآن را آموخت و انسان را آفرید.

﴿پیام‌ها: ۱) شغل خداوند، معلمی است و او قرآن را به انسان آموخت: «عَلَمُ الْقُرْآن» ۲) خلق انسان جلوه‌ای از رحمت الهی است: «الرَّحْمَنُ» ۳) تعلیم قرآن بر خلق انسان تقدیم دارد، که نشان از ارزشمندی و جایگاه والای آموزش در دین اسلام است.

﴿ارتباطات: ارزش والای آموزش در اسلام در آیه «اگر سگ آموزش‌دیده‌ای، برای شما شکاری بیاورد، آن شکار برای شما حلال است» نیز بیان شده است، فلذًا این آیه با آیه «إِنَّمَا وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» و نیز آیات «الرَّحْمَنُ» «عَلَمُ الْقُرْآنُ» «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» هم‌مفهوم است.

# پرسش‌های چهارگزینه‌ای



## برای شروع...

۱. کدام مورد از ارزش‌های معلمی نیست؟

(۱) معلمی شغل نیست، عبادت است.

(۲) معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد.

(۳) معلمی یک انتخاب صحیح است.

(۴) معلم از دریچه مادیات به شغلش نمی‌نگرد.

۲. آیاتی که نشان‌دهنده سوال کردن مردم از پیامبر است در بردارنده کدام عبارت‌اند و چرا معلمی یک کار مقدس است؟

(۱) «بَيْسَلُونَك» - زیرا عبادتی چند منظوره است.

(۲) «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَاب» - زیرا عبادتی چند منظوره است.

(۳) «بَيْسَلُونَك» - چون با ارزشمندترین گوهر هستی سروکار دارد. (۴) «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَاب» - چون با ارزشمندترین گوهر هستی سروکار دارد.

۳. پر کاربردترین توصیف قرآن درباره انبیا چیست؟

(۱) کار پیامبران، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است.

(۲) همگی دانش‌آموز مکتب توحیدی خدا و جبرئیل بوده‌اند.

(۳) عالم ربانی که روایت الهی را به دیگران منتقل می‌کند.

(۴) آن‌ها الگوهای برتر اخلاقی و عملی برای انسان‌ها بوده‌اند.

۴. گام اول که در تعلیم و تربیت و انجام این مستنولیت اثرگذار است، چیست؟

(۱) پیروی از خدا و انبیا در تعلیم

(۲) شناخت جایگاه معلمی نزد معصومین (ع)

(۳) آشنازی با ابزارهای هدایت الهی و بهره‌مندی از آن‌ها

۵. چرا تقلیل مفهوم معلم به یک شغل ساده کوتاه‌بینی است؟

(۱) معلمی نیازمند پنج تخصص مهندسی است.

(۲) به معلمی از دریچه مادیات نباید نگاه کرد.

(۳) معلم واژه‌ای مقدس است و بار معنایی خاصی دارد.

۶. چرا آیت‌الله گلپایگانی سخن: «بگویید: لیاقت نداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت» را فرمودند؟

(۱) عده‌ای از مبلغان در دام درباریان افتاده بودند.

(۲) عده‌ای از مبلغین از معلمی کسب درآمد می‌کردند.

(۳) برخی از مبلغین در کنار معلمی به مشاغل دیگر روی آورده بودند.

(۴) برخی از مبلغین در خارج از حوزه گناه می‌گردند.

۷. پیامبر (ص) بالاترین صدقات را چه دانسته‌اند و در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی چه تعبیری شده است؟

(۱) انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد - پدر

(۲) دیگران را به راه خیر دعوت کند. - مادر

(۳) انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد - مادر

۸. شان روایت الهی چه زمانی کامل می‌شود؟

(۱) خداوند را حلق هستی بدانیم.

(۲) براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد.

(۳) اراده خدا را بالاتر از همه اراده‌ها بدانیم.

۹. چه زمانی معلم می‌تواند روح امید را در شاگردی که به یأس گرایش پیدا کرده است، بدهد؟

(۱) نگاهش به معلمی از دریچه مادیات نباشد.

(۲) گوهر انسانیت او نابود و مغفول نشده باشد.

(۳) همه کمالات را بارفتار و گفتار و اخلاق خود منتقل کند.

(۴) کار پنج گروه از مهندسان را انجام دهد.

۱۰. کدام یک از تعبیرهای زیر درباره «عالم ربانی» است؟

(۱) عالمی که سروکارش با پروردگار است و در راه خدا و با اسلوب و اخلاق خدا پستانه تعلیم می‌دهد.

(۲) فقیهی که از همه ابزارهای الهی و قرآنی برای هدایت و آموزش مردم بهره می‌برد.

(۳) عالمی که صفت خالقیت را از خدا می‌گیرد و مردم را با اسلوب و اخلاق الهی تربیت می‌کند.

(۴) فقیهی که نه تنها علم خود، بلکه همه کمالات را با گفتار و رفتار خود به دیگران منتقل می‌کند.

۱۱. معلمی که با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند کند، در این رفتارش کار کدام گروه از مهندسان را انجام می‌دهد؟

(۱) مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند.

(۲) مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند.

(۳) مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند.

(۴) مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.

۱۲. در برابر گروهی از مهندسان که مسئول قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین هستند، معلمان چه می‌کنند؟

(۱) معلم با تدریس و تعلیم و تربیت شاگرد را می‌سازد.

(۲) معلم ربانی استعدادهای گوناگون شاگردانش را کشف می‌کند.

(۳) معلم با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند می‌کند.

(۴) معلم با سمعه صدر، تربیت شدگان را به هم متصل می‌کند و جامعه را می‌سازد.

۲۴. روز رسیدن به زندگی پاک و طیب جیست و در چه زمانی است که معلوم نیست آموزش برای فرد و جامعه سود دارد یا ضرر؟

۱) اطاعت از فرامین خدا و انبیا - معلم از ابزارهای الهی برای تربیت مردم استفاده نکند.

۲) شناخت ارزش علم، معلم و تعلیم - معلم از ابزارهای الهی برای تربیت مردم استفاده نکند.

۳) اطاعت از فرامین خدا و انبیا - معلم صرفاً به انتقال اطلاعات و علوم بپردازد.

۴) شناخت ارزش علم، معلم و تعلیم - معلم صرفاً به انتقال اطلاعات و علوم بپردازد.

۲۵. در چه صورتی معلم واحد نفس هسیحایی می‌شود و کار او کار انبیا خواهد بود؟

۱) ربویت الهی را از خدا بگیرد و به دیگران منتقل کند.

۲) رسالت خود را الهی، نبی و علوی بداند و اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کنند.

۳) انتقال علوم رانه از طریق گفتار، بلکه از طریق عمل و رفتار خود انجام دهد.

۴) کار آموزش و تربیت شاگردان را فقط و فقط برای رضای خدا و خالصانه انجام دهد.

۲۶. خداوند زمانی که از آفرینش انسان و علم و فرهنگ در سوره انفطار سخن می‌گوید، خود را با چه صفتی معرفی می‌کند؟

۱) اکرم - کریم      ۲) علیم - اعلم      ۳) کریم - اکرم      ۴) علیم - اعلم

۲۷. در قرآن کریم، چه زمانی خداوند خود را «بزرگوارتر» معرفی می‌کند؟

۱) سخن از علم و فرهنگ باشد.      ۲) راه هدایت را برای مردم ترسیم کند.

۳) بخواهد وظيفة انبیا را به آنها بگوید.

۲۸. این تعبیر که در سوره «الرحمن» ابتداء خدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند، سپس آفرینش انسان، بیانگر چیست؟

۱) ارزش علم، معلم و تعلیم در اسلام را می‌رساند.      ۲) معلم باید پیرو خدا و قرآن باشد و خالصانه تعلیم دهد.

۳) معلمی شغل خدا و انبیا و یک کار مقدس است.

## برای انفجار...

۲۹. کدامیک از آیات عبارت شریفة قرآن کریم بر این موضوع که «معلمی شغل خداوند تبارک و تعالی و جبرئیل امین است» تأکید می‌کند؟

۱) «الرحمن \* علم القرآن \* خلق الانسان»      ۲) «وَجَعَلُهَا كَلْمَةً باقِيَةً فِي عَقْبَةِ لَعْلَهُمْ يَرْجِعُونَ»

۳) «وَيَضْعَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»      ۴) «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»

۳۰. در گام نخست چه چیزی در تعلیم و تربیت اثرگذار است و چه تعبیری برای «زعین» نشان‌دهنده عظمت و ارزشمندی وظيفة معلمی است؟

۱) میزان درک معلمان از اثرگذاری افکارشان بر متعلمین - مرکز آموزش و پرورش خدا

۲) نوع نگاه معلمان به مسئولیت خطپردازی در جامعه - مرکز آموزش و پرورش خدا

۳) نوع نگاه معلمان به مسئولیت خطپردازی در جامعه - یکی از مخلوقات خدا برای هدایت انسان

۴) میزان درک معلمان از اثرگذاری افکارشان بر متعلمین - یکی از مخلوقات خدا برای هدایت انسان

۳۱. از این حقیقت که «سیزده آیه در قرآن کریم شامل عبارت «یَسْتَلُونَكُمْ» می‌شوند». کدام نتیجه را می‌توان گرفت؟

۱) زمین مرکز آموزش و پرورش خدادست و عالم با همه پیچیدگی‌هایش برای تربیت انسان خلق شده است.

۲) معلمی فراتر از همه کارها و شغل‌های است و اصولاً توصیف «شغل» برای آن، کسر شان جایگاه معلمان است.

۳) خداوند متعال مسئولیت‌های متعددی را روی شانه نبی مکرم اسلام نهاد، اما اصلی‌ترین آن‌ها تعلیم مردم بوده است.

۴) خدای متعال حیات انسان را در سؤال کردن و آموزش دیدن قرار داده است تا به حیات طیبه الهی برسد.

۳۲. با تأمل در مفهوم کدام عبارت قرآنی می‌فهمیم که «تقلیل مفهوم معلمی به یک شغل ساده، کوتاه‌بینی است» و کدام مورد تعثیلی مناسب از آن است؟

۱) «يُعِلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُرَتِّبُهُمْ» - به یک مرجع تقلید بگوییم که «تو آدم خوبی هست».

۲) «يُعِلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُرَتِّبُهُمْ» - وازه کربلا را حاوی معانی شهادت و شهامت و... بدانیم.

۳) «كَذَلِكَ أَتَكَ أَيَاشَا فَتَسِيَّهَا» - به یک مرجع تقلید بگوییم که «تو آدم خوبی هست».

۴) «كَذَلِكَ أَتَكَ أَيَاشَا فَتَسِيَّهَا» - وازه کربلا را حاوی معانی شهادت و شهامت و... بدانیم.

۳۳. هر کدام از موارد زیر اشاره به کدام امتیاز و ارزش معلمی دارد؟

الف) معلمی، انتقال علم و تجربه، اتفاق غریق و کلید عزت، بصیرت و مصونیت است.

ب) سخن آیت الله گلپایگانی خطاب به طلبه‌هایی که به سمعت دربار رفتند.

ج) در خواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند: «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ»

۱) معلمی شغل نیست، عبادت است. - معلمی یک انتخاب صحیح است. - کار روی فکر افراد ماندگار است.

۲) معلمی شغل نیست، عبادت است. - معلمی یک انتخاب صحیح است. - معلمی در نگاه معمومین جایگاه رفیعی دارد.

۳) معلمی یک انتخاب صحیح است. - معلمی شغل نیست، عبادت است. - کار روی فکر افراد ماندگار است.

۴) معلمی یک انتخاب صحیح است. - معلمی شغل نیست، عبادت است. - معلمی در نگاه معمومین جایگاه رفیعی دارد.

۳۴. در انتخاب شغل باید به چه موردی توجه کنیم و تفاوت پژوهش و معلم در چیست؟

- (۱) با چه چیزی سروکار داریم و تأثیر کارمان تا کجاست؟ - مدت زمانی که روی شغلشان تمکن می‌کنند.
- (۲) با چه چیزی سروکار داریم و تأثیر کارمان تا کجاست؟ - چیزی که روی آن کار می‌کنند.
- (۳) نگاه ما و دیگران و خصوصاً دین به شغل ما چیست؟ - چیزی که روی آن کار می‌کنند.
- (۴) نگاه ما و دیگران و خصوصاً دین به شغل ما چیست؟ - مدت زمانی که روی شغلشان تمکن می‌کنند.

۳۵. کدام عبارت قرآنی نشان‌دهنده سؤال مردم از نبی مکرم اسلام (ص) بوده است و ایشان درباره جایگاه وقیع معلمی چه می‌فرمایند؟

- (۱) «یَسْلُونَكَ» - «بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد».
- (۲) «يَعْلَمُهُمْ» - «بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد».
- (۳) «یَسْلُونَكَ» - «تمام جنبه‌گان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم‌دهنده امور نیک استغفار می‌کند».
- (۴) «يَعْلَمُهُمْ» - «تمام جنبه‌گان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم‌دهنده امور نیک استغفار می‌کند».

۳۶. آیت‌الله گلبایگانی خطاب به طلابی که به سمت دربار رفتند چه عبارتی را به کار بردن و سخن ایشان چه تأثیری بر مبلغان دینی گذاشت؟

- (۱) انگوید: رفتم؛ بگوید: لیاقت نداشم و امام زمان (ع) مرا از حوزه بیرون انداخت. - بیمه شدن مبلغین در برابر توطنه دربار
  - (۲) انگوید: رفتم؛ بگوید: لیاقت نداشم و امام زمان (ع) مرا از حوزه بیرون انداخت. - ایجاد انگیزه برای ترویج دین در مبلغین
  - (۳) «این راهی که شما در پیش گرفته‌ای الان بیشتر مورد نیاز است و امام زمان (ع) راضی است» - بیمه شدن مبلغین در برابر توطنه دربار
  - (۴) «این راهی که شما در پیش گرفته‌ای الان بیشتر مورد نیاز است و امام زمان (ع) راضی است» - ایجاد انگیزه برای ترویج دین در مبلغین
۳۷. چرا کسی که به جای معلمی به سراغ شغلی دیگر می‌رود و به تولید، توزیع و مصرف اجناس دیگری مشغول می‌شود، خسارت گردد است؟
- (۱) معلم، واژه است که بار معنای خاصی دارد و نمی‌توان صرفاً به آن به عنوان یک «شغل» نگریست.
  - (۲) معلمان به انسان‌ها خدمت می‌کنند و به دل‌ها و جان‌ها حیات می‌بخشند و در مسیر انبیاء الهی گام برمی‌دارند.
  - (۳) اثرگذاری کار معلم یا سایر شغل‌ها تفاوت بسیاری دارد و گاه تا روز قیامت اثر تربیت و تعلیم‌شان باقی است.
  - (۴) اساساً عالم با همه پیچیدگی‌ها، تنواعات، زیبایی‌ها، نعمت‌ها و ابتلاءاتش برای تربیت «انسان» خلق شده است.

۳۸. سخن امام حسین (ع): «أَيْنَ يَقْعُدُ هَذَا مِنْ عَطَايَهِ يَعْنِي تَعْلِيقَهِ» بیانگر کدام مفهوم است و با کدام سخن از جد بزرگوارشان قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) معلمی و تعلیم در قرآن جایگاه رقیعی دارد. - «ثمرة علم، بندگی خداست».
- (۲) معلمی و تعلیم در قرآن جایگاه رقیعی دارد. - «راه‌نمایی کننده به راه خیر، مانند انجام‌دهنده آن است».
- (۳) تربیت کار خدا و انبیاء ایوب است. - «راه‌نمایی کننده به راه خیر، مانند انجام‌دهنده آن است».
- (۴) تربیت کار خدا و انبیاء ایوب است. - «ثمرة علم، بندگی خداست».

۳۹. کدام تعبیر نیک را رسول اکرم (ص) برای «انسانی که چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد»، به کار برده‌اند و ایشان تواب راهنمایی کننده به راه خیر را چه دانسته‌اند؟

- (۱) بالاترین صدقات - هم‌نشیتی با انبیا و اولیای الهی
- (۲) حیات‌بخش جان انسان‌ها - هم‌نشیتی با انبیا و اولیای الهی
- (۳) بالاترین صدقات - مانند انجام‌دهنده آن
- (۴) حیات‌بخش جان انسان‌ها - مانند انجام‌دهنده آن

۴۰. تعبیر قرآنی «أَولَئِكَ كَالْأَعْمَالِ بِلَهُمْ أَضَلُّ» اختصاص به چه کسانی دارد و این تعبیر بازتاب چیست؟

- (۱) گوهر انسانیت‌شان نبود و مغفول شده است. - «أَنْقَذُهُمْ مِنْ أَعْذَانِهِمْ»
- (۲) آنان که شغل دیگری جز معلمی را برگزینند. - «أَنْقَذُهُمْ مِنْ أَعْذَانِهِمْ»
- (۳) گوهر انسانیت‌شان نبود و مغفول شده است. - «أَولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»
- (۴) آنان که شغل دیگری جز معلمی را برگزینند. - «أَولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

۴۱. از این حقیقت که در قرآن کریم پس از نام مبارک «الله» بیشترین نامی که به کار رفته است «رب» می‌باشد کدام مفهوم استنباط می‌گردد؟

- (۱) ربویت الهی تنها زمانی که با علم، حکمت، مصلحت و رحمت همراه باشد، کامل می‌شود.
- (۲) از شنون ربویت الهی این است که تنها او حق تصرف و تغییر در مخلوقاتش را دارد.
- (۳) «الله» که جهان را خلق کرده است آن را اداره می‌کند و بهسوی مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌کند.
- (۴) ربویت الهی ایجاب می‌کند که پرورش همه مخلوقات و پاسخ به نیازهای آن‌ها توسط «الله» صورت پذیرد.

۴۲. معلم چگونه می‌تواند در هم‌سیر تربیت و تعلم مخاطب‌اش از توفیقات بیشتری بهره‌مند شود؟

- (۱) ارزش و مقام معلمی را که از آن تعبیر به رهبر آسمانی می‌شود، درک کرده باشد.
- (۲) نگاهش به شغل معلمی برگرفته از تعلیمات توحیدی و هم‌سیر انبیای الهی باشد.
- (۳) درک بیشتری داشته باشد که با چه چیزی سروکار دارد و تأثیر کارش تا کجا می‌تواند باشد.
- (۴) هر چه از ایزارهای الهی مانند متعلق و برهان، احسان و عاطفه و... بیشتر بهره‌مند باشد و آن‌ها را به درستی به کار گیرد.



۴۳. امام محمد بن علی (ع) با چه توصیفی معلمان و مبلغان را می‌ستایند؟
- (۱) شریک در ثواب انجام‌دهنده حسنه
  - (۲) بهره‌مند از استغفار تمام جنت‌گان در زمین و آسمان
  - (۳) همت‌شیتی و همراهی با معلمان آسمانی در دنیا
۴۴. کدام موارد به ترتیب در خواست امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق از خداوند است؟
- (۱) بهره‌مندی حضرت (ع) از زبان هدایت‌کننده و الهام تقوایه جانشان
  - (۲) بهره‌مند شدن شاگردانش از هدایت الهی، تقوای قلب و ربویت الهی
  - (۳) اعطای ایمان و تقوایه قلب و جان حضرت (ع) و خلوص در فرائض دینی
  - (۴) اعطای زبان هدایت‌کننده به حضرت (ع) و بهره‌مندی شاگردانش از معارف الهی
۴۵. مقام انسانی که از خداوند در خواست می‌کند: «إِلَهِي أَنْطُقْنِي بِالْهُدَى وَأَلْهِمْنِي التَّقْوَى» چیست و چه اثری در جامعه دارد؟
- (۱) خود را در مسیر انبیای الهی و در راه تعلیم مردم می‌بیند و انسان‌هایی مفید تربیت می‌کند.
  - (۲) یک رهبر آسمانی، مریب یا پدری است که ارزش جایگاه او فقط نزد مخصوصین (ع) آشکار است.
  - (۳) مورد تشویق اهل بیت قرار می‌گیرد: گرچه در نظر او مادیات بی‌ارزش‌اند، ولی سروکارش با پروردگار عالمیان است.
  - (۴) خدایی می‌شود و با استفاده از همه امکانات و ایزراهای الهی، انسان‌هایی خدایی تربیت می‌کند.
۴۶. تشییه کار معلمان به مهندسانی که «مسئول ذوب مواد هستند» و «مسئول استخراج مواد هستند» به ترتیب چیست؟
- (۱) علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس - کشف استعدادهای دانش‌آموزان
  - (۲) علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس - خارج کردن شاگردان از انحرافات
  - (۳) کشف استعدادهای دانش‌آموزان - علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس
  - (۴) کشف استعدادهای دانش‌آموزان - خارج کردن شاگردان از انحرافات
۴۷. تعبیری که از عالم دینی به «عالیم ربّانی» می‌شود، در برگیرنده همه مقاهم زیر است: به جز
- (۱) اتصال معلم، استاد و مریب به خداوند متعال که نقش مهمی در ارشاد و هدایت مردم دارد.
  - (۲) عالمی که سروکارش با خداست و در راه خدا و برای خدا و با اسلوب خداپستانه تعلیم می‌دهد.
  - (۳) معلم تنها علم خود را منتقل نمی‌کند، بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران می‌دهد.
  - (۴) عالمی که صفت ربویت الهی را از خداوند متعال می‌گیرد و آن را به دیگران منتقل می‌کند.
۴۸. تفاوت کار با غبان در پروردش گل و گیاه با معلم در پرورش انسان در چیست و ریشه‌یابی انحرافات در قرآن چیست؟
- (۱) محدودیت در رشد و ارزش گیاهان و نامحدود بودن انسان - «أولئك كالانعام»
  - (۲) محدودیت در رشد و ارزش گیاهان و نامحدود بودن انسان - «أولئك هم الغافلون»
  - (۳) نباتات فقط زندگی مادی دارند، اما انسان‌ها زندگی مادی و معنوی دارند - «أولئك هم الغافلون»
  - (۴) نباتات فقط زندگی مادی دارند، اما انسان‌ها زندگی مادی و معنوی دارند - «أولئك كالانعام»
۴۹. کدام عبارات شریقه به ترتیب غفلت از قیامت و غفلت از وظيفة خود را تبیین می‌کنند؟
- (۱) «تساویوم الجساب» - «وَلَمْ تَكُنْ تُطْعِمَ الْمِسْكِينَ»
  - (۲) «أولئك أَتَتَكَ آيَاتِنَا فَنَسِيَّهَا» - «كَذَلِكَ أَتَتَكَ آيَاتِنَا فَنَسِيَّهَا»
  - (۳) «كَذَلِكَ أَتَتَكَ آيَاتِنَا فَنَسِيَّهَا» - «وَلَمْ تَكُنْ تُطْعِمَ الْمِسْكِينَ»
  - (۴) «وَلَمْ تَكُنْ تُطْعِمَ الْمِسْكِينَ» - «أولئك كالانعام»
۵۰. مفهوم «غفلت از محرومان» که می‌تواند انسان را به جایگاه پستی بکشاند، و بازتاب آن در آینه وحی الهی چیست؟
- (۱) «وَلَمْ تَكُنْ تُطْعِمَ الْمِسْكِينَ» - «أولئك كالانعام بَلْ هُمْ أَضَلُّ»
  - (۲) «وَلَمْ تَكُنْ تُطْعِمَ الْمِسْكِينَ» - «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَانِهِمْ»
  - (۳) «كَذَلِكَ أَتَتَكَ آيَاتِنَا فَنَسِيَّهَا» - «أولئك كالانعام بَلْ هُمْ أَضَلُّ»
  - (۴) «كَذَلِكَ أَتَتَكَ آيَاتِنَا فَنَسِيَّهَا» - «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَانِهِمْ»
۵۱. تشییه کار معلمی با مهندسی در پنج گروه مختلف میسر است، آن پنج گروه در کدام گزینه آمده‌اند؟
- (۱) کشف معدن، استخراج مواد، حمل و نقل، قطعه‌سازی و طراحی قطعات، مونتاژ قطعات
  - (۲) کشف معدن، استخراج مواد، ذوب مواد، قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین، مونتاژ قطعات
  - (۳) استخراج مواد، ذوب مواد، قطعه‌سازی و طراحی قطعات، مونتاژ قطعات و بازاریابی و فروش
  - (۴) استخراج مواد، حمل و نقل، قطعه‌سازی و طراحی قطعات، مونتاژ قطعات و بازاریابی و فروش
۵۲. پاسخ خداوند به درخواست حضرت ابراهیم (ع) مبنی بر هاندگاری نام نیک او در عیان آیندگان چه بود؟
- (۱) «وَاجْعَلْ لَيْ لِسانَ صِدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ»
  - (۲) «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً باقِيَةً فِي عَقْبَهِ لَعْلَهُمْ تَرْجِعُونَ»
  - (۳) «وَيَصْعُّ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَاتَتْ عَلَيْهِمْ»
  - (۴) «قَبَعَتِ اللَّهُ عُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيَرِهِ وَكَيْفَ يُوَارِي سَوَادَ أَخْبَهُ»

۵۳. هر یک از موارد «کار معلم زدودن غبار غفلت است» و عبارت قرآنی «سَيِّهْدِينَ» بیانگر کدام یک از ارزش‌های معلمی است؟

- ۱) معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد - کار روی فکر افراد ماندگار است.
- ۲) معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد - معلمی شغل نیست، عبادت است.
- ۳) معلمی یک انتخاب صحیح است - کار روی فکر افراد ماندگار است.
- ۴) معلمی یک انتخاب صحیح است - معلمی شغل نیست، عبادت است.

۵۴. لازمه تربیت انسان‌هایی خدایی با استفاده از ابزارها و امکانات الهی، رسیدن به مقامی است که در کدام عبارت توحیدی به آن اشاره شده است؟

- ۱) «يَعِلَّمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ وَيُرَكِّبُهُمْ»
- ۲) «إِلَهِي أَنْطِقْنِي بِالْهُدَىٰ وَالْهِمْنِي التَّقْوِيٰ»
- ۳) «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ»

۵۵. ماندگاری فریاد توحیدی ابراهیم نبی (ع) در تاریخ، در کدام عبارت تبیین می‌شود و درخواست او از خداوند برای تسلیش چه بود؟

- ۱) «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» - قرار دادن رهبری امت و اقامه نماز در ذریاعاش
- ۲) «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ» - قرار دادن رهبری امت و اقامه نماز در ذریاعاش
- ۳) «جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» - بازگشتن نسلش به توحید و اقامه عدل
- ۴) «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ» - بازگشتن نسلش به توحید و اقامه عدل

۵۶. پاسخ آیت الله گلپایگانی به این سخن آقای قرائتی: «من امکان قیقه شدن دارم، ولی قعلاً معلم شده‌ام». بیانگر چه مفهومی است؟

- ۱) اهمیت شغل معلمی به این است که با چه کسی سروکار داری و چه اثرب می‌گذاری
- ۲) اهمیت نقش معلم در زدودن غبار غفلت و بیدار کردن انسان‌های خفته
- ۳) ماندگاری فریاد توحیدی در تاریخ حتی اگر مردم زمان به آن گوش نکند.
- ۴) اهمیت کلاس‌داری مخصوصاً زمانی که مخاطبیان از نسل جدید هستند.

۵۷. مخاطب حضرت موسی (ع) در بیان سخن: «آن آرسیل مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» چه کسی بود و این سخن بیانگر کدام ویژگی فقیه است؟

- ۱) فرعون - «أَعْلَمُهُمْ يَرْجِعُونَ»
- ۲) قرعون - «وَأَنْقَدَهُمْ مِنْ أَعْدَانِهِمْ»
- ۳) خداوند - «وَأَنْقَدَهُمْ مِنْ أَعْدَانِهِمْ»

۵۸. دعای حضرت ابراهیم (ع) در پیشگاه خداوند، پیراهون ماندگاری آثار، چه بود و خداوند دلیل پذیرش درخواست ابراهیم نبی (ع) را چه بیان قرمودند؟

- ۱) «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ» - «أَعْلَمُهُمْ يَرْجِعُونَ»
- ۲) «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ» - «سَيِّهْدِينَ»
- ۳) «إِسْتَجِبْوَا لِهِ وَلِرَسُولِ اذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِبِّبُكُمْ» - «أَسْتَجِبْوَا لِهِ وَلِرَسُولِ اذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِبِّبُكُمْ» - «سَيِّهْدِينَ»

۵۹. از عبارت شریفه «يَعِلَّمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ وَيُرَكِّبُهُمْ» کدام مفهوم استنباط می‌گردد؟

- ۱) تطهیر جان مقدم و لازمه آموزش کتاب و حکم الهی است.
- ۲) معلم برخلاف پزشکان با روح و جان انسان سروکار دارد.
- ۳) معلمی شغل اتبیاست، فلذًا تقلیل آن به یک شغل ساده، کوتاهیتی است.
- ۴) معلم صفت ربوبیت الهی را از خداوند می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند.

۶۰. سخن سیدالشهدا (ع) خطاب به مردمی که به هدیه دادن ایشان به معلم فرزندشان اعتراض داشتند، بیانگر چه مفهومی است و رسول اکرم (ص) چه تعبیری از تعلیم و تعلم دارند؟

- ۱) معلمی جایگاه رفیعی دارد - بالاترین صدقات
- ۲) معلمی جایگاه رفیعی دارد - برترین جهاد
- ۳) معلمی شغل نیست، عبادت است - بالاترین صدقات
- ۴) معلمی شغل نیست، عبادت است - برترین جهاد

۶۱. شأن توحیدی ربوبیت هنگامی کامل است که بر اساس چه تبیین‌گردد و امام سجاد (ع) در کدام عبارت، درخواست پهنه‌مندی از این شأن توحیدی را می‌کند؟

- ۱) علم، حکمت، مصلحت و رحمت - «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ»
- ۲) متطلق، برهان، احسان و عاطفه - «وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ»
- ۳) علم، حکمت، مصلحت و رحمت - «إِلَهِي أَنْطِقْنِي بِالْهُدَىٰ وَالْهِمْنِي التَّقْوِيٰ»
- ۴) متطلق، برهان، احسان و عاطفه - «إِلَهِي أَنْطِقْنِي بِالْهُدَىٰ وَالْهِمْنِي التَّقْوِيٰ»

۶۲. لازمه دمیدن روح امید به جان دانش آموز مایوس چیست و امام باقر (ع) ثواب چنین معلمی را چه دانسته‌اند؟

- ۱) بهره‌مندی معلم از ابزارهای ربوبیت الهی - بهره‌مندی از استغفار همه اهل آسمان‌ها و زمین
- ۲) بهره‌مندی معلم از ابزارهای ربوبیت الهی - شریک بودن در ثواب تمام کارهای خیر شاگردان
- ۳) انتقال کمالات با رفتار و گفتار و اخلاق به شاگردان - بهره‌مندی از استغفار همه اهل آسمان‌ها و زمین
- ۴) انتقال کمالات با رفتار و گفتار و اخلاق به شاگردان - شریک بودن در ثواب تمام کارهای خیر شاگردان

۱۲۶. کدام آیات بیانگر یکی از اقسام غفلت هستند؟

- ب) «کذلک آنک آیاً نَفْسَيْهَا»
- د) «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّ بِرِّيْكَ الْكَرِيمَ»
- (۴) ج - ۵
- (۳) ب - ۵
- (۲) الف - ب
- (۱) الف - ج

۱۲۷. از بیان عبارت «سیهدهین» در آیات قرآن کریم کدام مفهوم استنباط می‌گردد؟

- ۱) کار معلم زدودن غبار غفلت و بیدار کردن انسان خوابیدهای است که از گوهر عمر و زندگی اش غافل است.
- ۲) معلم می‌تواند افراد را از پرتگاه‌های جهالت دور کند و مسیر زندگی یک فرد و نقشه راه او را تغییر دهد.
- ۳) ایمان به تهایی کافی نیست و هدایت الهی باید تداوم داشته باشد و قریاد توحید در تاریخ ماندگار می‌ماند.
- ۴) عالم ریانی سروکارش با پروردگار است، در راه خدا و برای خدا و با اسلوب و اخلاق خداپستانه تعلیم می‌دهد.

۱۲۸. چه تعداد از گزاره‌های زیر صحیح است؟

- الف) موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند: جمادات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها
- ب) معلم یک تنہ کار پنج گروه از مهندسان را انجام می‌دهد، آن هم بر روی انسان که صاحب روح است.
- ج) عالم ریانی صفت خالقیت را از خدا می‌گیرد و دانش آموزی تربیت می‌کند که خدایی است.
- د) ریوبیت الهی زمانی کامل می‌شود که ابتدا هدایت و ابزارهای هدایت خلق شوند، سپس انسان.
- (۱) یک
- (۴) چهار
- (۳) سه
- (۲) دو

۱۲۹. در کدام عبارت قرآنی تعلیم‌دهنده، خدا و دانش آموز، نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) است؟

- ۱) «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ وَيُزَكِّيهِمْ»
- ۲) «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّ بِرِّيْكَ الْكَرِيمَ»
- ۴) «اقْرَا وَرِيْكَ الْأَكْرَمَ»
- ۳) «عَلَمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»

## حالاً کنکور...\*

فصل  
اول

(خارج ۹۹)

۱۳۰. کدام آیه شریقه، دست یافتن به اکسیر حیات روح پسر را تبیین می‌کند؟

- ۱) «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْخُسْنَى وَزِيَادَةً...»
- ۲) «وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ تَبَيِّنَ وَخَفْدَةً...»
- ۳) «وَمِنْ أَيَّاتِهِ أَنَّ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا تُسْكُنُوا إِلَيْهَا...»

(قصانی ۱۸۵)

۱۳۱. از دقت در آیه شریفة «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَنَا إِسْتِجْبَيْوَ اللَّهُ وَلِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاهُمْ لِمَا يَحِيِّيْكُمْ» مفهوم می‌گردد که

- ۱) دین، زندگی بخش و مایه حیات انسان است.
- ۲) مخاطب دعوت خدا و رسول، فطرت الهی انسان است.
- ۳) مخاطب دعوت خدا و رسول، زندگان اند و نه مردگان.

(زبان ۹۸)

۱۳۲. با توجه به اینکه «فهم عمیق و تخصص در دین، مقدور همگان نیست» کدام آیه شریقه، به رفع مشکل ناشی از این موضوع اشاره نموده است؟

- ۱) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لَيَنْقِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَاغِيَّةً...»
- ۲) «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»
- ۳) «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ أَفْتَوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيُسْتَحْلِفُوهُمْ فِي الْأَرْضِ...»
- ۴) «وَرَبِّدُ أَنْ نَمُّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمْ الْوَارِثِينَ»

۱۳۳. با توجه به پیام کدام آیه شریقه، امامان دانشمندانی را تربیت می‌کردند تا به شهرهای دور دست که خودشان حضور نداشتند، بروندوا حکام اسلامی را به آنان بیاموزند؟

- ۱) «وَرَبِّدُ أَنْ نَمُّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمْ الْوَارِثِينَ»
- ۲) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لَيَنْقِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَاغِيَّةً لِيُتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»
- ۳) «ذَلِكَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نَعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّنُوا مَا يَأْنَسُهُمْ»
- ۴) «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ أَفْتَوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيُسْتَحْلِفُوهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»

(تحزیز ۹۱۰)

۱۳۴. اگر بگوییم «فهم عمیق و تخصص در دین، وظیفه همگان نیست»، پیام کدام مورد را ترسیم کرده‌ایم؟

- ۱) «فَإِنَّمَا مِنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ حِلَالًا لِنَفْسِهِ حِلَالًا لِدِيْنِهِ مُحَلِّلًا لِهِوَاهُ مُطْبِعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ»
- ۲) «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوهَا إِلَى رُوَاهَ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»
- ۳) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لَيَنْقِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَاغِيَّةً لِيُتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»
- ۴) «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»

\* سوالاتی که از آیات متنبه کتاب مهارت معلمی و دین و زندگی در کنکورهای گذشته درس دین و زندگی آورده شده برایتان آورده‌اند.

# پاہے دھرم

دین و زندگی (۱)



# آنک سفر



درس ۹ (رشته علوم انسانی)  
درس ۸ (رشته ریاضی و تجربی)

## خلاصه نموداری



اقدامات لازم برای گام نهادن در مسیر بندگی و اطاعت خدا و ثابت قدم ماندن در مسیر

### ۱ تصعیم و عزم برای حرکت

عزم به معنای اراده و تصعیم بر انجام کاری است.  
عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است.

هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است.

آثار عزم قوی: استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی برای رسیدن به آن هدف

سفرارش لقمان به فرزندش: «وَاصِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ غَرْمِ الْأَمْوَرِ»

### ۲ عهد بستن با خدا

پیمان بستن با خداوند بر انجام واجبات الهی و اجتناب از کارهای حرام  
دو پیشنهاد مهم درباره عهد با خدا:

اول: انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن: بعد از نماز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: تکرار عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب‌های قدر هر سال

هدف: استحکام بیشتر عهدها و به قرامدگی سپرده نشدن

### ۳ مراقبت

باقي ماندن بر پیمان خود با خدا و وقای به عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرم‌نگرانی در مقابل او را به دنبال می‌آورد.  
امام علی (ع): «گذشت ایام، آقاتی در پی دارد و موجب از هم‌گیختگی تصعیم‌ها و کارها می‌شود»

### ۴ محاسبه و ارزیابی

به دست آوردن میراث موفقیت و وفاداری به عهد و شناختن عوامل موفقیت یا عدم موفقیت

سپاس خداوند در صورت موفقیت و عتاب نفس و سرزنش خود در صورت سنتی و عدم موفقیت

یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتولیم بر اساس آن، تصعیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

پیامبر (ص): «حَاسِبُوا أَنفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوهُ»

امام علی (ع): «زیرگ‌ترین انسان، کسی است که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.»

آثار محاسبه

«من حاسب نفسه وقف على عيوبه و أحاط بذنبه واستقال الذنب و أصلح العيوب»

«ثَمَرَةُ الْمُحَاسِبَةِ صَلَاحُ النَّفْسِ»

«من حاسب نفشه شد»

### ۵ پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

دلایل ضرورت وجود الگوها در مسیر حرکت به سوی هدف:

۱ وجود این الگوها به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است:

۲ می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد.

۳ از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید.

از این رو قرآن کریم، پیامبر (ص) را به عنوان الگو معرفی می‌کند و پیامبر نیز همواره از اهل بیست به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و مارایه الگو گرفته از آنان دعوت کرده است رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است.

اسوه بودن اهل بیت (ع) در اموری است که همواره برای بشر خوب و بالرژش بوده‌اند و با گذشت زمان، حتی درگ بهتری از آن‌ها نیز به دست آمده است.

پیامبر یک انسان معصوم است: چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ: اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عیین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

## درسنامه

### مقدمه

- ﴿ امام کاظم ﴿ می‌فرمایند: «خدایا! می‌دانم که بهترین توشة مسافر کوی تو، عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد. »
- ﴿ اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرتوشت ابدی انسان‌ها بر اساس اعمال آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سراجام آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. »
- ﴿ از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است، پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد (علت)، در دنبی زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد. (محلول)
- البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه‌ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سراجامی این‌گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.
- پس لازم است پداییم: برای آنکه در برنامه‌ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟
- ﴿ برای گام نهادن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه (مسیر تقریب)، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم:

  ۱. تصمیم و عزم برای حرکت
  ۲. عهد بتن با خدا
  ۳. مراقبت
  ۴. محاسبه و ارزیابی

### تصمیم و عزم برای حرکت

- ﴿ عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خوبی، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد.
- البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. (رابطه مستقیم میان عزم انسان و سهولت وصول به هدف) استواری بر هدف، شکیباتی و تحمل سختی برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است.

### کارهای بزرگ عزم‌های بزرگ می‌خواهد

- ﴿ آنان که عزم ضعیفی دارند (علت)، در برابر تندیاد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه آنان را به عقب‌نشینی و ادار می‌کنند. (محلول)
- اما آنان که عزم قوی دارند (علت)، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. (محلول)
- به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید:

**موضوع اصلی** تصمیم و عزم برای حرکت اولین اقدام در مسیر قرب الهی

آیه ۱۷ / سوره النص

﴿ وَاصِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنْ ذَلِكَ مِنْ غَرْمِ الْأَمْرِ﴾

﴿ ترجمه: بر آنچه (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن که این از عزم و اراده در کارهایست.

﴿ بیان‌ها: ۱ این آیه از سفارش‌های لقمان حکیم به فرزندش است و راه و رسم بندگی را به او نشان می‌دهد. ۲ صبوری کردن در برابر مصائب و مشکلاتی که بر انسان وارد می‌شود. ۳ صبر، از آثار عزم و اراده ۴ صبر در مصیبت‌ها، معلول بهره‌مندی از عزم است.

﴿ ارتباطات: مرتبط با سخن امام کاظم ﴿ خدایا! می‌دانم که بهترین توشة مسافر کوی تو عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد. » که آیه و حدیث بر اهمیت عزم و اراده در مسیر قرب الهی را تأکید دارند.

﴿ عزم، اراده، تصمیم و قصد، همگی با قوی اختیار و انتخاب انسان که با آیه «اتاحدیناه التسبیل اتاشاکرا و اناکفروا» معرفی گردید، مرتب است. (پایه مادرس ۲)

### عهد بستن با خدا

- ﴿ کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌ښدد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد؛ یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.
- ﴿ چقدر زیباست که خداوند، راه رستگاری ما را با رضایت خود همراه ساخته است:

﴿ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود (محلول) که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم (علت): و آن گاه از ما ناخشنود خواهد بود (محلول) که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم (علت)

﴿ درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم

- ﴿ اول: برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. بعد از تعاز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.
- ﴿ دوم: عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب‌های قدر هر سال، تکرار کنیم (علت) تا استحکام بیشتری پیدا کند و به فراموشی سهده نشود. (محلول)

- ۴) تدبیر در هنن:** در ترجمه آیات زیر بیندیشید و بر اساس آن به سوالات زیر پاسخ دهید.
- و هر کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وقا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. (سوره فتح، آیه ۱۰)
  - کسانی که پیمان الهی و سوگنهای خود را به بهای تاجیزی می‌فروشنند آن‌ها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آن‌هاست. (سوره آل عمران، آیه ۷۷)
  - به پیمانی که با من بسته‌اید وقا کنید تا من نیز به پیمان شما وقا کنم. (سوره يقره، آیه ۶)
- الف. آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟
- ۱) بی‌بهره ماندن از پاداش‌ها و نعمت‌های اخروی ۲) محرومیت از سخن گفتن خدا با آن‌ها ۳) محرومیت از غفران الهی و گرفتار شدن به عذاب دردناک
- ب. عمل به عهد و پیمان‌های خود با خدا، چه تعریتی دارد؟
- ۱) بهرمتی از پاداش‌های بزرگ ۲) وقا کردن خداوند به پیمان خود

## مراقبت

- باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد (علت)، رضایت خدا را در پی دارد (معلول) و شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد (معلول):
- عهدی که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» نمود تا با عهدهشکنی، آسیب نبیند.
- حدیث / امام علی (ع)**
- \***گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود.**
- پیام‌ها:** ۱) علیت گذشت ایام و معلولیت به هم خوردن تصمیم‌ها (معلول) ضرورت پرهیز از تسویف (به فردا انداختن تصمیمات و کارها)

- به طور مثال، کسی عهد می‌بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند، باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می‌شود، از سر راه بردارد.

## محاسبه و ارزیابی

- بعد از مراقبت (مقدم)، نوبت محاسبه (مؤخر) است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، بهدست آید و عوامل موققیت یا عدم موققیت، شناخته شود.
- بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم (علت)، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم (معلول): زیرا می‌دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان‌هاست. (علت)
- اما اگر معلوم شود که سنتی ورزیده‌ایم (علت)، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. (معلول)

### چه نکته ترکیبی:

ظهور و بروز نفس لواحه زمانی است که انسان سنتی ورزیده است.

- یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

### حدیث / پیامبر (ص)

#### «حابیوا انفسکم قبل آن تحسابیوا»

**ترجمه:** به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برند.

- پیام‌ها:** ۱) ضرورت محاسبه نفس و حساب کشیدن از خود ۲) حسابرسی از نفس در دنیا (حابیوا انفسکم) باید مقدم بر محاسبه و ارزیابی قیامت (آن تحسابیوا) صورت گیرد.

**۲) ارتباطات:** مرتبط با حدیث امام علی (ع) : «زیرک‌ترین انسان، کسی است که از خود و عمل خود ...»

- مرتبط با حدیث پیامبر (ص) : «با هوش‌ترین مؤمنان کسانی هستند که فراوان به یاد مرگاند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند». (پایه ۱۰ درس ۳)

- عبارت «قبل آن تحسابیوا» بیانگر رسیدگی به اعمال در مرحله دوم قیامت و حادثه «برپا شدن دادگاه عدل الهی» است. (پایه ۱۰ درس ۴)

- بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم.
- همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم بر اساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده پنگیریم.

از امیرالمؤمنین علی پرسیدند: زیرگ ترین انسان کیست؟ فرمود:

### موضوع اصلی انسان محاسبه‌گر به عنوان زیرگ ترین انسان

حدیث / امام علی (ع)

«زیرگ ترین انسان کسی است که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب نکشد.»  
(پرسیدند: چگونه؟)

فرمود: «چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگرد و بگوید: ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن، چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فروبسته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟»

**کلیاتها:** ۱- بیان ویژگی انسان‌های زیرگ ۲- حسابرسی از خود، ملاک زیرگی انسان است، چراکه با این کار از تبعات و عواقب منفی جلوگیری می‌کند.  
۳- خبر از وقوع معاد و حسابرسی در آن ۴- بیان چند ایده مفید و کاربردی: یاد خدا، تشکر از خدا، باز کردن گره از کار مؤمنان، زدودن غم از چهره مؤمنان و -

**حواله‌توان باشه:** در این کتاب، یک بار عنوان زیرگ، یک بار نیز عبارت باهوش‌ترین مؤمنان مطرح شده است. در درس اول پایه دهم انسان زیرگ کسی دانسته شده که خداوند و بندگی او را به عنوان هدف نهایی خود انتخاب کند. در درس سوم، کسی باهوش معرفی شده است که فراوان به یاد مرگ باشد و خود را بیش از دیگران برای آن آماده کند. در این درس هم انسان زیرگ‌ترین، کسی معرفی شده است که از خود حساب نکشد و وظیفه چهارم در برنامه‌ریزی یعنی محاسبه نفس را انجام دهد.

**تفکر در احادیث:** در جدول زیر، سه سخن از امام علی آمده است، در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
محاسبه نفس سبب: ۱. آگاهی بر عیوبها ۲. تسلط بر گناهان ۳. رها شدن از گناهان ۴. اصلاح عیوبها می‌شود.	۱- من حاسبت نفسه (علت) وقف قلن عیوبه و أحاط بذنویه و استقال الذنوب وأصلح العيوب (معلول)
محاسبه نفس سبب اصلاح نفس می‌شود.	۲- ثمرة المحاسبة (علت) صلاح النفس (معلول)
محاسبه نفس سبب خوشبختی و سعادت می‌شود.	۳- من حاسبت نفسه (علت) سعد (معلول)

## پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است.  
زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است:  
ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد،  
و از همه مهم‌تر می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع تر به هدف رسید.  
از این رو قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید:

### موضوع اصلی معرفی الگو و اسوه به انسان‌ها برای تبعیت از ایشان

آیه ۲۱ / سویه‌احبوب

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است.»

**کلیاتها:** ۱- یکی از راههای تبیین مسیر دقیق، نشان‌دادن الگوهایی است که در این مسیر گام برداشته و موفق شده‌اند. ۲- در میان کلیه الگوها و اسوه‌های هدایت، پیامبر اکرم ﷺ برترین و نیکوترین هستند. ۳- سایر الگوها نیز به نوعی از پیامبر ﷺ و راه او الگو گرفته‌اند.

**ارتباطات:** آیه (لَقَدْ كَانَ لَحْمُكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ...) که بیانگر معرفی پیامبر به عنوان الگو و اسوه است و در ادامه کسانی را مشمول بهره‌مندی از این الگو می‌داند که امید به خداوند و روز رستاخیز داشته و اهل ذکر و یاد خداوند هستند. (آیه ۱۱ درس ۶)

پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟ پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسائل حمل و نقل، وسائل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند.

اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و بالرژش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و - ارزش‌هایی است که مسورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درگ پهتشی از آن‌ها نیز بعده است. پیامبر و اهل بیت ﷺ اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد. به طور مثال، امام حسین از پدر گرامی خود نقل می‌کند که:

## حدیث / امام علی (ع)

رسول خدا در منزل، اوقات خود را **قسمت** می‌گرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای **أهل خانه** و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، **میان خود و مردم** تقسیم می‌گرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌گرد.

**پیام‌ها:** ① برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث بدست می‌آید. / ② اهمیت اهل خانه که به میزان عبادت باید برای ایشان وقت گذاشت. (متزلت خانواده) / ③ نهی از عبادت و زهد افراطی و حرام کردن دنیا بر خود

همچین ممکن است این سوال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم (معلول):

چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. (علت)

اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ماعین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

امیر المؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان می‌فرماید:

## موضوع اصلی: چگونگی پیروی و اسوه قرار دادن امیر المؤمنین (ع)

آگاه باش برای هر پیروی کنندگان، امام و پیشوایی است که باید از او **تعجب** کند و از **علم** او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیا بش باش و دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است، اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید: ولی با **پرهیزکاری** و **کوشش** [در راه خدا] و **عفت** و **درستگاری** مرا پاری کنید.

**پیام‌ها:** ① اسوه بودن معصومین مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، تیست. / ② اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و بالرژش بوده‌اند. / ③ امام علی از مردم درخواست می‌کنند که در پرهیزکاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستگاری، ایشان را اسوه قرار دهند نه در خوراک و پوشک. / ④ اسوه قرار دادن معصومین به این معنا نیست که ماعین ایشان باشیم، بلکه باید در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

**ارتباطات:** یکی از ویژگی‌های رهبر جامعه اسلامی «ساده زیستی» است.

## الدینه و تحقیق: ① برای ثابت قدم ماندن در مسیر قرب به خداوند چه اقداماتی لازم است؟

پاسخ ۱- تصمیم و عزم برای حرکت ۲- عهد بستن با خدا ۳- مراقبت ۴- محاسبه و ارزیابی

② مقصود از اینکه رسول خدا برای مسلمانان اسوه است، چیست؟

پاسخ مالو اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است، اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ماعین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

## مرور علت و معلولها

معلول	علت
برخورداری از زندگی لذت‌بخش و مطمئن در دنیا و رستگاری و خوشبختی ابدی در آخرت	دریافت صحیح هدف زندگی و قرار دادن زندگی خود در مسیر آن هدف
استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن	عزم قوی
تاب نیاوردن در برابر حوادث ناگوار و عقب‌نشینی در برابر مشکلات	عزم و اراده ضعیف
خشنوودی الهی از ما	گام نهادن در مسیر سعادت و خوشبختی خود
شرمندگی در مقابل خداوند	باقی نماندن بر پیمان خود با خدا با عدم وفا به عهد
رضایت خدا	باقی ماندن بر پیمان خود با خدا
سیاسگزاری و شکرگزار خدا بودن	خدا بهترین پشتیبان در انجام پیمان‌ها
سرزنش و عتاب خود و طلب بخشش از خدا	مسئلی ورزیدن در عهد و پیمان
شکر و سیاسگزاری از او	موفقیت در عهد خود با خدا
قرار دادن اسوه کامل خود در امور	درست بودن اعمال پیامبران و مطابقت اعمالشان با دستور خداوند
از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها	گذشت ایام
قرار گرفتن در زمرة زیرک‌ترین انسان‌ها	محاسبه نفس به طور مستمر
آگاهی بر عیب‌ها، تسلط بر گناهان، دوری از گناهان، اصلاح عیب‌ها، اصلاح نفس، خوشبختی و سعادت	امام علی: محاسبه نفس

# پرسش‌های چهارگزینه‌ای

 برای شروع...

۴۳۴. سرنوشت ابدی انسان‌ها بر چه اساسی تعیین می‌شود و وظیفه ما در مقابل این حقیقت چیست؟

- ۱) رفتار آنان در دنیا - قدم گذاشتن در مسیری که موفقیت آن حتمی بوده و رقم زدن سرانجام و آخرتی آباد
- ۲) میزان عبادت آن‌ها - قدم گذاشتن در مسیری که موفقیت آن حتمی بوده و رقم زدن سرانجام و آخرتی آباد
- ۳) رفتار آنان در دنیا - دریافت هدف و مقصد زندگی و شناسایی سرمایه‌های الهی و موانع رسیدن به هدف
- ۴) میزان عبادت آن‌ها - دریافت هدف و مقصد زندگی و شناسایی سرمایه‌های الهی و موانع رسیدن به هدف

۴۳۵. زندگی لذت‌بخش و مطمئن در دنیا مستلزم چیست و لازم است که برای این مقصود چه کنیم؟

- ۱) عزم خود را استوار نموده و در راه هدف ثابت قدم باشیم. - برنامه‌ریزی کنیم.
- ۲) مسیر و هدف اصلی زندگی، رسیدن به مقام قرب خداوند باشد. - برنامه‌ریزی کنیم.
- ۳) مسیر و هدف اصلی زندگی، رسیدن به مقام قرب خداوند باشد. - از اعمال خود مراقبت کنیم.
- ۴) عزم خود را استوار نموده و در راه هدف ثابت قدم باشیم. - از اعمال خود مراقبت کنیم.

۴۳۶. کدام یک از موارد زیر اقدامات لازم در مسیر بندگی را با ترتیب درستی مطرح کرده است؟

- ۱) عهد بستان با خدا - عزم و تصمیم - مراقبت - محاسبه
- ۲) عهد بستان - عزم و تصمیم - محاسبه - مراقبت
- ۳) عزم و تصمیم - عهد بستان - محاسبه - مراقبت

۴۳۷. نخستین گام در مسیر بندگی و اطاعت خدا کدام است و میان داشتن عزم و اراده قوی و آسان‌تر رسیدن به هدف، چه رابطه‌ای برقرار است؟

- ۱) عهد بستان با خدا - مستقیم
- ۲) تصمیم و عزم برای حرکت - مستقیم
- ۳) عهد بستان با خدا - معکوس

۴۳۸. آیه شریفه «واصیر علیٰ ما اصحابک...» به کدام یک از گام‌های کمال اشاره دارد و خداوند آن را تجلی چه چیزی معرفی کرده است؟

- ۱) گام نخستین برای حرکت در مسیر کمال - از نشانه‌های عهد راستین است.
- ۲) نخستین گام انسان در مسیر قرب خداوند - از نشانه‌های اراده انسان است.
- ۳) دومین گام برای حرکت در مسیر کمال - از نشانه‌های اراده انسان است.
- ۴) دومین گام انسان در مسیر قرب خداوند - از نشانه‌های عهد راستین است.

۴۳۹. آدمی با آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد و در یک برنامه‌ریزی دقیق، \_\_\_\_\_ است.

- ۱) عهد بستان با خدا - عزم مقدم بر عهد بستان با خدا
- ۲) اراده و عزم - عزم مقدم بر عهد بستان با خدا
- ۳) اراده و عزم - عهد بستان مقدم بر عزم

۴۴۰. اینکه گفته می‌شود، خداوند راه رستگاری ما را قرین رضایت خود ساخته است، به چه معناست و در نظر گرفتن خشنودی خدا، مربوط به کدام مرحله عبودیت است؟

- ۱) زمانی انسان به سعادت می‌رسد که با بندگی خدا رضایت او را کسب کند. - عهد بستان با خدا
- ۲) زمانی انسان به سعادت می‌رسد که با بندگی خدا رضایت او را کسب کند. - عزم برای حرکت
- ۳) وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی خود گام برداریم. - عهد بستان با خدا
- ۴) وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی خود گام برداریم. - عزم برای حرکت

۴۴۱. از دیدگاه امام کاظم علیه السلام، بهترین توشه مسافر کوی حق تعالی چیست و قدم گذاشتن در راه سعادت، مرتبط با چیست؟

- ۱) عزم و اراده‌ای که با آن خواستار خداوند شده باشد. - تصمیم و عزم برای حرکت
- ۲) گشودن گره از کار فرویسته مؤمن است. - تصمیم و عزم برای حرکت
- ۳) گشودن گره از کار فرویسته مؤمن است. - عهد بستان با خدا
- ۴) عزم و اراده‌ای که با آن خواستار خداوند شده باشد. - عهد بستان با خدا

۴۴۲. خداوند متعال در سوره هبارگه فتح آیه ۱۰، در پاسخ به عمل کدام گروه به ایشان و عده داده است: «به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد؟

- ۱) هر کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته است وفا کند.
- ۲) آنان که برای حفظ عهدشان با خود از خویش حساب نکشند.
- ۳) گروهی که سوگندهای خویش را به بهای انداز نفوشتند.
- ۴) افرادی که در عزم و تصمیم‌شان ثابت قدم مانده باشند.

۴۴۳. اگر از ما سؤال شود «در بستان عهد با خدا بهتر است چه مسئله‌ای را مورد توجه قرار دهیم؟» در پاسخ چه می‌گوییم؟

- ۱) در نظر گرفتن ظرفیت و انتخاب فرصت مناسب در بستان عهد
- ۲) انتخاب فرصت مناسب در بستان عهد و تجدید عهد در زمان‌های معین
- ۳) در نظر گرفتن ظرفیت و تجدید عهد در زمان‌های معین
- ۴) انتخاب فرصت مناسب در بستان عهد و مراقبت از عهد در طول مسیر

۴۴۴. بنا به فرموده امام علی علیه السلام چه چیز موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها می‌شود و برای جلوگیری از این آفت، چه اقدامی لازم است؟

- ۱) تأخیر در عمل - عهد بستان به موقع با خدا
- ۲) گذشت ایام - مراقبت
- ۳) گذشت ایام - عهد بستان به موقع با خدا

## برای انفجار...

۴۹۳. اینکه انسان سرتوشت را به دست حوادث تسپارد تصعیم و عزم برای حرکت است که بر عهد بستان با خداست.
- (۱) معلول - مقدم      (۲) معلول - مؤخر      (۳) علت - مقدم      (۴) علت - مؤخر
۴۹۴. میان داشتن عزم و اراده قوی و وصول آسان به هدف چه رابطه‌ای برقرار است و اولین گام در مسیر قرب الهی کدام است؟ (۱) معکوس - عزم برای حرکت      (۲) مستقیم - عزم برای حرکت      (۳) معکوس - عهد بستان با خدا      (۴) مستقیم - عهد بستان با خدا
۴۹۵. در رابطه با «تصعیم و عزم برای حرکت» چند مورد صحیح است؟ در رابطه با «تصعیم و عزم برای حرکت» چند مورد صحیح است؟
- (الف) دستیابی به اهداف بزرگ‌تر معلول عزم قوی تر بوده و این گام پیش از عهد بستان است.  
 (ب) عزم به معنی اراده و تصعیم است که استواری بر هدف از علتهای وجود آن به شعار می‌رود.  
 (ج) از آثار وجود عزم، شکیبایی بر هدف است و آدمی با عزم خوبی است که با خدا عهد می‌بند.  
 (د) انسان با عزم خوبی آنچه را برگزیده عملی خواهد کرد چراکه عزم به معنای اراده است.
- (۱) یک      (۲) دو      (۳) سه      (۴) چهار
۴۹۶. بین ظلم به خود و ناخشنودی خدا چه رابطه‌ای برقرار است و خشنودی خداوند، در کدام مرحله از آهنگ سفر مورد نظر قرار می‌گیرد؟ بین ظلم به خود و ناخشنودی خدا چه رابطه‌ای برقرار است و خشنودی خداوند، در کدام مرحله از آهنگ سفر مورد نظر قرار می‌گیرد؟
- (۱) معلولیت - عهد بستان با خدا      (۲) معلولیت - تصعیم و عزم برای حرکت      (۳) علیت - تصعیم و عزم برای حرکت      (۴) علیت - عهد بستان با خدا
۴۹۷. رضایت خدا معلول و سستی کردن در علیت عتاب و سرزنش خود است.
- (۱) باقی‌ماندن بر پیمان - مراقبت      (۲) عهد بستان با خدا - محاسبه      (۳) باقی‌ماندن بر پیمان - محاسبه      (۴) عهد بستان با خدا - مراقبت
۴۹۸. از دیدگاه مصوّه‌ین ویژگی باهوش‌ترین و زیرگت‌ترین انسان‌ها چیست؟
- (۱) گرمه از کار فرو بسته مؤمنی گشودن، تلاش و کوشش بسیار در خدمت‌گزاری به خلق خدا  
 (۲) فراوان به یاد مرگ بودن و بهتر از دیگران خود را آمده کردن، حساب کشیدن از خود و عمل خود برای بعد از مرگ  
 (۳) حساب کشیدن از خود و عمل خود برای بعد از مرگ، فراوان به یاد مرگ بودن و بهتر از دیگران خود را آمده کردن  
 (۴) به یاد خدا بودن و سپاسگزاری از او، گرمه از کار فرو بسته مؤمنی گشودن
۴۹۹. استحکام بیشتر عهد و به فراموشی نسبردن آن اصلی اقدامی است که عبارت است از
- (۱) معلول - مراقبت      (۲) معلول - تکرار عهد      (۳) علت - مراقبت      (۴) علت - تکرار عهد
۵۰۰. کلام نورانی امام علی کدام گام از گام‌های کمال را بعبارت «وقف علی عیوبه» در ارتباط می‌داند و این ارتباط در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟
- (۱) گام چهارم - این گام نقش علت را برای عبارت موجود در سؤال ایفا می‌کند  
 (۲) گام سوم - از این گام می‌توان به عنوان علت برای عبارت سؤال یاد کرد  
 (۳) گام چهارم - این گام نقش معلول را برای عبارت موجود در سؤال ایفا می‌کند.  
 (۴) گام سوم - از این گام می‌توان به عنوان معلول برای عبارت سؤال یاد کرد
۵۰۱. هر یک از عبارت‌هایی که در پی می‌آیند، در صدد تشریح و توضیح کدام موضوع می‌باشد؟ - وقف علی عیوبه و آحاطه بذنبه  
 - ضلاح النفس
- خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگردد  
 (۱) «حاسبوا نفسکم» - «من حاسبت نفسه» - کسانی که پیمان الهی و سوگنهای خود را به بهای ناچیز می‌فروشند.  
 (۲) «حاسبوا نفسکم» - «إنَّ ذلَكَ مِنْ غَرْمِ الْأَمْوَرِ» - کسانی که پیمان الهی و سوگنهای خود را به بهای ناچیز می‌فروشند.  
 (۳) «وَ أَصِيرُ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» - «من حاسبت نفسه» - آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آن‌هاست.  
 (۴) «وَ أَصِيرُ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» - «إنَّ ذلَكَ مِنْ عَزْمِ الْأَمْوَرِ» - آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آن‌هاست.
۵۰۲. عبارات شریفة («وَ أَصِيرُ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ»)، «از هم گسیختگی تصعیم‌ها و کارها» و «حاسبوا نفسکم» به ترتیب عربی با کدام گزاره‌های زیر است؟ ۵۰۲. عبارات شریفة («وَ أَصِيرُ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ»)، «از هم گسیختگی تصعیم‌ها و کارها» و «حاسبوا نفسکم» به ترتیب عربی با کدام گزاره‌های زیر است؟
- (۱) یوسف - گذر زمان - باهوش‌ترین مؤمنان      (۲) لقمان - پیمان‌شکنی - باهوش‌ترین مؤمنان  
 (۳) یوسف - پیمان‌شکنی - گذر زمان - زیرگت‌ترین انسان      (۴) لقمان - گذر زمان - زیرگت‌ترین انسان
۵۰۳. کدام عناوین با عبارت‌های مربوط به خود مناسب است؟ ۵۰۳. کدام عناوین با عبارت‌های مربوط به خود مناسب است؟
- (الف) یاری امام توسط مأمور ← پرهیزکاری، گوشش، عفت و درستگاری  
 (ب) اسوه بودن بزرگان ← امور طبیعی و تحولات صنعتی  
 (ج) «اسوة حسنة» ← اهل بیت ←  
 (د) تکرار عهد و پیمان ← استحکام بیشتر عهد  
 (۱) الف، ج      (۲) الف، د      (۳) ب، ج      (۴) ب، د

## حالا گنکور...

۴۰۵. اسوه بودن پیامبر اکرم (ص) و چگونگی بهره‌گیری از ایشان در کدام مورد بیان شده است؟  
 ۱) چون همه کارهای ایشان مطابق دستور الهی بوده، باید مانند ایشان عمل نماییم.  
 ۲) لازم است در حد امکان از ایشان پیروی نموده و خود را به سیره ایشان نزدیکتر نماییم.  
 ۳) در توزیع اوقات شب‌الهروز مطابق با روش ایشان زمان خود را به دو دسته عبادت و کار تقسیم کنیم.  
 ۴) در اموری که همواره برای بشر ارزش هستند و با تحولات طبیعی تغییر می‌کنند از ایشان پیروی کنیم.
۴۰۶. کدام مورد، ثمرة محاسبة اعمال است و در کلام امیر المؤمنین (ع) به کدام تعریف آن اشاره شده است؟  
 ۱) سرزنش و عتاب شخص به خودش - استقال الذنوب و اصلاح العيوب  
 ۲) سرزنش و عتاب شخص به خودش - حسابوا انفسکم قبل ان تحاسبوا  
 ۳) شناخت عوامل موفقیت و عدم موفقیت - استقال الذنوب و اصلاح العيوب  
 ۴) شناخت عوامل موفقیت و عدم موفقیت - حسابوا انفسکم قبل ان تحاسبوا
۴۰۷. مهم‌ترین ثمرة توجه به عبارت قرآنی «رسول خدا برای شما نیکوترين اسوه است»، در کدام مورد آمده است؟  
 ۱) الگوهای ایشان را در زبان قرآن به پیروائیان معرفی می‌نمایید.  
 ۲) پیروی از الگوها موجب تسريع در حرکت به سوی هدف می‌شود.  
 ۳) وجود یک الگو، موفقیت‌آمیز بودن تجربه اولیای الهی را ثابت می‌کند.  
 ۴) راهنمایی‌های قرآن کریم برای حرکت به سوی هدف را برجسته می‌سازد.
۴۰۸. عملی ساختن انتخابی که با بهره‌گیری از قدرت تعلق و اختیار انجام شده، با توجه به کدام توصیه امکان پذیر می‌شود؟  
 ۱) «إِنَّا هَذِينَاهُ الشَّبِيلُ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كُفُورًا»  
 ۲) «وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَضَعُونَ»  
 ۳) «قُلْ إِنَّ كُنْتُمْ تَحْبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يَعْلَمُنِّي اللَّهُ»  
 ۴) «وَاضْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصْبَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأَمْوَارِ»
۴۰۹. لقمان حکیم به فرزندش در مورد راه و رسم زندگی چه سفارشی کرده است؟  
 ۱) «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقْتُومُوا لِلَّهِ مُشْنِي وَ فَرَادِي»  
 ۲) «وَ اضْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصْبَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأَمْوَارِ»  
 ۳) «قُلْ إِنَّ كُنْتُمْ تَحْبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يَعْلَمُنِّي اللَّهُ»  
 ۴) «إِنَّ لَا تَغْبَدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَذَّوْ مَبِينٌ»
۴۱۰. بعد از مرحله دوم گام گذاشتند در مسیر پندگی و قرب الهی و همچنین برای ثابت ماندن در این راه، نوبت کدام عمل قرار می‌رسد؟  
 ۱) اگر در انجام عهد خود موفق بودهایم، خوب است خدا را سپاسگزار باشیم.  
 ۲) باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفادی بر عهد که رضایت خدا را در پی دارد.  
 ۳) از خداوند طلب پخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد بیندیم.  
 ۴) با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه را برای رسیدن به این هدف مشخص کرده، انجام دهد.
۴۱۱. با توجه به سخن امیر المؤمنین علیه السلام، گذشت ایام چه آفتی را در پی دارد و کدام اقدام آن را لزوم رساند؟  
 ۱) از هم‌گسیختگی تصمیم‌ها و کارها - باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفادی بر عهد  
 ۲) تاب نیاوردن در برابر تدبیاد حوادث - باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفادی بر عهد  
 ۳) از هم‌گسیختگی تصمیم‌ها و کارها - انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن با خدا  
 ۴) تاب نیاوردن در برابر تدبیاد حوادث - انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن با خدا
۴۱۲. زیرگ ترین انسان‌ها از دیدگاه امیر المؤمنین علیه السلام به کدام دستور پیامبر گرامی اسلام عمل می‌کنند؟  
 ۱) سنت نیکی را در جامعه جاری سازد تا مردم به آن عمل کنند.  
 ۲) به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از این که به حساب شما برست.  
 ۳) همنشیتی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد، زیرا او مایه انس تو خواهد بود.  
 ۴) فراوان به یاد خداوند هستند و بهتر از دیگران خود را برای دیدار او آماده می‌کنند.

**((نوجه))**: اقامه نماز با خواندن آن فرق دارد. اقامه به معنای انجام درست و صحیح نماز و رعایت آداب آن است.

۷۴۸. **نوجه**: تأثیر نماز به تداوم و میزان دقت و توجه ما بستگی دارد.

۷۴۹. **اگر شخص مسافر**, قبل از ظهر در وطن باشد و بعد از ظهر به سفر برود, می‌تواند روزه‌اش را ادامه دهد. برای اینکه نمازش هم کامل باشد, باید قبل از مغرب بازگردد.

**بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۱** کسی که قبل از اذان ظهر سفر نماید (صبح حرکت کرده است) و بعد از ظهر به وطن برسد, این مسافر نمی‌تواند در آن روز, روزه بگیرد. **گزینه ۲** این گزینه نیز مانند گزینه اول است, زیرا قبل از اذان ظهر سفر کرده, همچنین مشخص نیست که رفتن او بیشتر از ۴ فرستخ بوده یا خیر. **گزینه ۳** در این گزینه نیز چون مشخص نیست رفتن او بیشتر از ۴ فرستخ بوده یا خیر, در نتیجه نادرست است.

۷۵۰. **کسی** که برای انجام کار حرام سفر کند مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند, باید روزه‌اش را بگیرد و نمازش را کامل بخواند. توجه کنید کمک به طاغوت از مصادیق کار حرام است.

۷۵۱. **از آنجا** که این شخص پیش از ظهر به وطن رسیده, روزه‌اش صحیح است به شرط اینکه پس از اذان صبح کاری را که مبطل روزه باشد, انجام نداده باشد. دقت کنید در گزینه «۱»، چون قید «در حین سفر» آمده اشتباه است, چون حین سفر هم شامل قبل از اذان صبح می‌شود و هم بعد از اذان صبح بتایران اگر قبل از اذان صبح عملی که روزه را باطل می‌کند, انجام داده باشد مشکل نیست, ولی اگر پس از اذان صبح مبطلات روزه را انجام ندهد, باید روزه‌اش را بگیرد.

۷۵۲. **توجه** کنید که این سوال در کتاب درسی با بیان حکم کلی آمده است. کسی که با خودن آب روزه‌اش را عمداً باطل کند, مشمول این حکم می‌شود: «اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً باطل کند, باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم کفاره بدهد»: یعنی برای هر روز, دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد». در این حالت, در انتخاب کفاره مختار است.

اما کسی که با خوردن خاک روزه‌اش را عمداً باطل کند, مشمول این حکم می‌شود: «اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند, کفاره جمع بر او واجب می‌شود»: و باید دقت کنید که خوردن خاک حرام است. با توجه به این دو حکم کلی, گزینه «۳» صحیح است.

۷۵۳. **اگر قرار باشد روزه کسی** که قصد دارد به سفری برود و ۱۰ روز یا بیشتر در آنجا بماند صحیح باشد, باید یا اذان ظهر را در وطن باشد و یا در مقصدی که قرار است به آنجا برود.

چنین شخصی باید تا حد ترخص روزه‌اش را نگه دارد و وقتی به ۴ فرستخ شرعی رسید می‌تواند روزه خود را افطار کند.

۷۵۴. **چون** فرد مسافر می‌خواهد ده روز بماند, باید نمازهای پس از آن را کامل بخواند و با توجه به اینکه بعد از ظهر رسیده, آن روز را نمی‌تواند روزه بگیرد.

**نکته:** فرض کنید قرار است از تهران که وطن شماست به سمت شهر اراک بروید و بیش از ۱۰ روز آنجا بمانید.

در این شرایط هم در تهران روزه شما درست است و هم در شهر اراک: اما سؤال اینجاست که تکلیف روز رفت و روز برگشت چی میشه؟

در روز رفت و برگشت ملاک صحت روزه شما اینه که اذان ظهر رو یا در وطن باشید یا جایی که ۱۰ روز یا بیشتر در آن مستقر بودید. پس روز رفت و برگشت, موقع اذان ظهر باید یا توی تهران باشید یا اراک.

۷۵۵. **اگر قرار باشد روزه کسی** که قصد دارد به سفری برود و ۱۰ روز یا بیشتر در آنجا بماند, صحیح باشد, اذان ظهر را یا باید در وطن باشد یا در مقصدی که قرار است به آنجا برود. پس این شخص اگر قبل از ظهر, روزه‌اش را باطل نکرده باشد موظف است روزه آن روز را بگیرد, چراکه ظهر را در مقصد بوده است. در مورد نماز نیز, اگر می‌خواهد ده روز در آنجا بماند, باید نمازهای پس از آن را کامل بخواند.

۷۳۸. **ارتکاب معصیت** یعنی انجام گناه, فقط در مواردی است که قرده, عمداً مرتکب کار حرامی شود. چراکه هر کاری اگر سهوا (غیرعمد) باشد هیچ گناهی ندارد. کسی می‌تواند روزه بگیرد که اگر غسل بر او واجب است تا قبل از اذان صبح یا غسل کند یا تیمم نماید. پس از طلو ع آفتاب مهم تیست!

۷۳۹. **در این آیه شریفه** به چهار عمل حرام اشاره شده است: شراب, قمار, بتپرستی, تیرکهای بخت‌آزمایی! همراه آمدن این چهار عمل حرام, نشانه اوج حرام بودن آن هاست. در ادامه آیه شراب از ناحیه شیطان و عاملی برای ایجاد گیته و دشمنی میان مردم بیان شده است.

۷۴۰. **یکی از شروط برای مسافری** که باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد این است که رفتن او بیشتر از ۴ فرستخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرستخ باشد. بتایران کسی که مسافت رفت او ۲ فرستخ است, باید نماز و روزه‌اش را کامل انجام دهد.

**بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۲** کسی که رفت او کمتر از ۴ فرستخ و برگشت کمتر از ۸ فرستخ تباشد, به عبارتی باید رفت او ۴ فرستخ باشد: ولی چون در این گزینه برگشت کمتر از ۸ فرستخ نیست, بتایران رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرستخ می‌شود و مسافر بوده و نمازش شکسته است. **گزینه ۳** کسی که رفت و برگشت او ۸ فرستخ باشد و رفت او بیش از نیمی از آن, یعنی بیش از ۴ فرستخ است, مسافر محاسب می‌شود و نمازش شکسته است. **گزینه ۴** شخصی که هر کدام از مسافت‌های رفت و برگشت او کمتر از ۴ فرستخ نباشد, یعنی مسافت رفت او بیشتر از ۴ فرستخ بوده و مجموعه رفت و برگشت او بیش از ۸ فرستخ است: بتایران مسافر محاسب شده و نمازش شکسته است.

۷۴۱. **از آنجایی** که این کار از روی عمد انجام شده است, هم قضای روزه و هم کفاره بر او واجب می‌شود.

**+ دقت گلید:** چون با حرام روزه را باطل نکرده است, کفاره جمع لازم نیست.

۷۴۲. **اگر کسی** در ماه رمضان عمدأ روزه نگیرد, باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم کفاره بدهد: یعنی برای هر یک روز, دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سر هم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مذ) و این کار باید تا قبل از رمضان آینده انجام شود.

۷۴۳. **کسی** که در ماه رمضان عمدأ روزه نگیرد وظیفه دارد قضای آن را بهجا بیاورد و کفاره هم بر گردن او خواهد بود.

کفاره جمع برای کسی است که روزه باشد و یا چیز حرامی آن را باطل کند.

۷۴۴. **از آنجا** که طول مسیر رفت به شهر «الف» بیش از ۴ فرستخ و مدت اقامت او در آن شهر کمتر از ۱۰ روز است پس مسافر محاسب شده و نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد: اما در مورد شهر «ب» با وجود طول مسیر بیش از ۸ فرستخ رفت, به دلیل اقامت بیش از ۱۰ روز (دو هفته معادل ۱۴ روز) دیگر مسافر محاسب نشده و آنجا در حکم وطن لوست, پس هم نمازش کامل است و هم می‌تواند روزه بگیرد.

۷۴۵. **کسی** که پیش از ظهر سفر می‌کند چون زمان اذان ظهر در وطن خود حضور ندارد, روزه‌اش صحیح نیست: پس باید تا حد ترخص روزه خود را تگه دارد و بعد از آن افطار کند: اما کسی که بعد از ظهر سفر می‌کند, چون اذان ظهر را در وطن خود بوده است, موظف است روزه خوبیش را کامل کند.

۷۴۶. **اگر کسی** به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او بر طرف شود و ماه رمضان آینده عمدأ قضای روزه را نگیرد, باید هم روزه را فقیر بدهد کنده و هم برای هر روز یک مذ (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.

۷۴۷. **وعده الهی** که در آیه «وَاقِمُ الصَّلَاةَ إِنَّ الْفَحْشَاءَ وَالْمُنْكَرُ» آمده است, همان دوری از گناهان است.

باتکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم, به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر متکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم, بهزودی تأثیر آن که دوری از گناه است خواهیم دید که این موضوع از عبارت قرآنی «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهِيٌ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» قابل فهم است.

۷۶۶. اگر این شخص روزه‌اش را قبل از رسیدن به وطن باطل نکرده است، چون ظهر را در مقصد بوده است باید روزه را بگیرد، اما اگر روزه‌اش را قبل باطل نکرده است، چون مسافر بوده فقط باید قضای آن را بهجا آورد.

۷۶۷. هرگاه دنبال آرامشی فرآگیرم و محتاج محیطی امن و سازنده، در طبیعت خداوند قدم می‌گذارم و دل به تغمه‌های خوش آهنج آن می‌سپارم تا پایانی باشد بر ناخوشاپتدی و خستگی‌های زندگی روزمره. برخی انسان‌ها در برخی نیازهایشان کاملاً غرق می‌شوند و به افراط (زیاده‌روی) دچار می‌شوند.

۷۶۸. آراستگی به معنای مرتب و منظم کردن خود و بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو است. هر انسانی به‌طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد.

۷۶۹. پیشوايان ما هم در آراستگي باطي خود تلاش می‌كردند و آراسته به زيبايی‌های اخلاقی همچون ادب، سخاوت، حسن خلق و... بودند و هم به آراستگي ظاهری خود توجه داشتند.

۷۷۰. پیامبر ﷺ با وجود اينكه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان توصیه می‌کرد ناخن‌های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است؛ همچنین به مردان می‌فرمود: «سبيل و موهای خود را کوتاه کنيد و به خودتان برسيد؛ زيرا اين کار بر زيباي شما می‌افزاید».

۷۷۱. نياز به مقبوليت در دوره جوانی و نوجوانی، نمود بيشتری دارد و سبب می‌شود که جوان و نوجوان، بيشتر به خود پيرداده و توانایی و استعدادهایش را کشف و شکوفا کند و در معرض دید ديگران قرار دهد.

۷۷۲. عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن انسان خود را در برابر تندروی‌ها و گندروی‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانفروی پيش رو و از آن خارج نشود.

۷۷۳. برخی انسان‌ها در آراستگي و ابراز وجود و مقبوليت، دچار تندروي می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روي (افراط) می‌کنند و به خودنمایي می‌رسند.

یك انسان عفيف، از مقبوليت نزد همسالان و جامعه، گريزان نیست؛ اما خود را بالرzes تراز آن می‌داند که بخواهد اين مقبوليت را از راه جلب توجه ظاهری بهدست آورد.

۷۷۴. برخی انسان‌ها در آراستگي و ابراز وجود و مقبوليت، دچار تندروي می‌شوند. قرآن کريم اين حالت را «تبرج» می‌نامد. زیاده‌روي در آراستگي و توجه بيش از حد به آن باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگي و مشغول شدن به کارهایي می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

۷۷۵. انسان عفيف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگي خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تبرج» دچار نمی‌شود. انسان عفيف زيباي ظاهری خود را وسیله خودنمایي و جلب توجه ديگران قرار نمی‌دهد که به شخصيت انساني او اهانت شود. او حیامي کند که برخی به‌خاطر امور سطحي و کوچک، زبان به تحسين و تمجيد او بگشایند. او در وجود خود استعداد و ارزش‌های بیتر و الاتری می‌باشد که می‌تواند تحسين و احترام واقعی دیگران را برايگيرد.

۷۷۶. به همان ميزان که رشته‌های عفاف انسان ضعيف و گسته می‌شود، آراستگي و پوشش او سبك‌تر می‌شود و جتبه خودنمایي به خود می‌گيرد.

۷۷۷. امام صادق علیهم السلام می‌فرماید: «لباس نازک و بدن نما نپوشيد؛ زيرا چتین لباسی نشانه ستي و ضعف دينداری فرد است».

۷۷۸. زن مظاهر جمال خلقت است و اين زيباي هم مربوط به باطن و هم مربوط به ظاهر است.

۷۷۹. احسانات لطيف زن (معلول) بيانگر زيباي های درونی (علت) اوست و عرضه نابجای زيباي، به جای گرمی بخشیدن به خانواده، عفت و حبا را ز بین می‌برد.

۷۵۶. ثمرة عمل به دو دستور «نماز» و «روزه» تقوای الهی است که در گزینه‌های «۱» و «۲» آمده است. اما در صورت سؤال بر يك كليدوازه تأكيد شده که باید به آن دقت کنيد و آن کلمه «امكان» است که فقط در عبارت «لغتم تشقون»، «باشد که تقوا پيشه کنيد» آمده است.

۷۵۷. کسی مسافر محسوب می‌شود که رفتن او بيشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کيلومتر) و مجموع رفت و برگشت او بيشتر از ۸ فرسخ باشد. با توجه به اين شروط که در كتاب درسي آمده، اگر کسی به شهری برود که راه رفت آن بيش از ۴ فرسخ شرعی باشد، بستگی به مسافت مسیر برگشت او دارد که اگر كمتر از ۸ فرسخ باشد، مسافر محسوب نمی‌شود و اگر بيشتر از ۸ فرسخ باشد، مسافر است و باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

توجه کنيد در خصوص اين سؤال اختلاف نظر وجود دارد و برخی معتقدند که گزینه «۳» نيز درست است. اما طراح کنکور گزینه «۱» را باسخ صحيح دانسته است.

۷۵۸. توجه به بزرگی خدا در هنگام گفتن تکبير سبب می‌شود که غير خدا در دل ما جای نگيرد.

۷۵۹. چون اين فرد در شهر «الف» كمتر از ۱۰ روز می‌ماند، نمازش شکسته است و روزه‌اش صحيح نیست؛ اما در شهر «ب» نمازش كامل و روزه‌اش صحيح است.

۷۶۰. قرآن کريم راههای متعددی را برای کسب تقوا به مانشان داده که دو مورد مهم از آن‌ها نماز و روزه است. حضرت علی علیهم السلام می‌فرماید: «مثل آدم‌های باتقوا، مثل سوارکارانی است که بر اسبهای رام سوار شده‌اند».

۷۶۱. منتظر از اينكه سفر موجب متع روزه نمی‌شود، اين است که باید در سفر روزه بگيرد.

**بررسی گزینه‌ها:** گزینه ۱ اگر با نهی پدر و مادر به سفر غیر واجب برود، باید روزه بگيرد. در صورت سؤال «تروده» آمده، در نتیجه موجب متع روزه نمی‌شود.

گزینه ۲ اگر كمتر از ده روز بماند، نباید روزه بگيرد. گزینه ۳ اگر برای انجام کار حرامی سفر گرده باشد، باید روزه بگيرد. در صورت سؤال «سفر نکرده باشد» آمده، در نتیجه موجب متع روزه نمی‌شود. گزینه ۴ چون رفتش كمتر از چهار فرسخ شرعی است، باید روزه بگيرد؛ زيرا يكى از شرایطی که به واسطه آن نباید روزه بگيرد آن است که رفتن او بيشتر از چهار فرسخ باشد، پس اگر كمتر بود، باید روزه بگيرد.

۷۶۲. چون ماده موجود در لای دندان را عمداً فرو برد است، پس روزه‌اش را به عمد باطل کرده و هم باید قضای آن را بگيرد و هم کفاره بدهد.

۷۶۳. فرزندی که از روي خشم به پدر و مادر خود نگاه گند هرچند والدين در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذيرفته نیست.

۷۶۴. چون سفر فرزند حرام است، پس هم باید روزه‌اش را بگيرد و هم نمازش تمام است.

۷۶۵. روزه مصدق كامل ترین تمرین صبور در برابر خواهش‌های دل است که آية («كتب عليكم الصيام») به آن اشاره دارد و ثمرة اصلی آن هم تقواست.

**راهنمایی:** ياری از نماز و روزه برای کسب تقوا يكى از نکاتی که خيلي به شما در فهم دروس عمومي کمک می‌کنه اينه که بدونيد نفع تسبیح درس چه موضوعیه و اصلاً درس با چه هدفی در بين سایر دروس گذاشته شده است. درس دهم هدف اصلیش اينه که به مسئله تقوا پيردازه و اساساً موضوع درس، نماز و روزه نیست بلکه موضوع درس تقواست. اما اينكه چرا در قسمت اصلی درس به نماز و روزه پرداخته، به اين دليله که نماز و روزه راههای کسب تقوا هستند.

«إن الصلاة تهنى عن الفحشاء والمتكر» ← نماز می‌تونه ما رو از گناه دور کنه و راهي برای دستیابي به تقوا است.

«كتب عليكم الصيام...لغتم تشقون» ← روزه می‌تونه مارو در زمرة متقين قرار بده. فقط دقت کتبن که مطابق با آيات درس، تأثير مستقيم نماز، دوری از گناه و به واسطه اون کسب تقواست؛ اما برای روزه عبارت «لغتم تشقون» مستقيماً به کسب تقوا اشاره دارد.